

قلب عاطفی مرد کجاست؟ (برای خانم ها)

بعضی از خانم ها که نوع خلقت مردها رو نمی شناسند نادانسته انتقادهای نابجایی نسبت به اون ها دارن که منشاء اختلافات و سوء تفاهم هاست .

بعضی از خانم ها میگن ، چرا شوهرم بهم نیگه دوست دارم ؟ چرا قربون صدقه ام نیره ؟ چرا نسبت به من مهر و محبت نداره ؟

در جواب چنین خانم هایی باید بگیم که چون شما بلد نیستی قلب عاطفی اون رو تسخیر کنی !!! اشتباه نکن ، قلب عاطفی مرد اونو نیست که تاپ تاپ می زنه ! دو سه وجب برو پایین تر !

اگه شوهرت بهت ابراز عشق نمی کنه ، به خاطر اینه که به هر دلیلی رابطه ی جنسی گرمی با اون نداری ! چه خوشت بیاد چه نیاد قلب عاطفی مرد اون پایین قرار داره ، بهش برس ببین میگه دوست دارم یا نه ؟! قربون صدقه ات میره یا نه ؟! براش عزیز میشی یا نه ؟!

نگو مردان چه موجودات پستی هستند . ما رو فقط به خاطر رابطه ی جنسی می خوان . به نوع خلقت خدا اعتراض داری ؟! یعنی شما میگم مرد باید بر خلاف اون چیزی که خدا اونو آفریده رفتار کنه ؟ اگه این کار رو بکنه ازدواجی صورت نمی گیره !

هر موقع شما خانم ها تونستید احساس و عاطفه ای که خدا بهتون داده رو کنار بذارید مرد هم می تونه برخلاف اون چیزی که هست رفتار کنه .

به معصومیت صورت یه بچه توجه کردید ؟ هر کی میبینی می خواد بخورتش ! شما می تونید به اون بچه بگید لطفا خوردنی نباش ! لطفا ناز نباش !

بنده به شما خانم ها بگم لطفا جذاب نباشید ، لطیف نباشید خواستنی نباشید و ... ، می تونید ؟! خدا شما رو این طوری آفریده ؟

مردها نمی تونن بگن ما شدیم عابر بانک خانم ها ! زن ها ما رو فقط به خاطر پولمون می خوان .

نه حرف بعضی خانم ها درسته که میگن مردها ما رو فقط به خاطر رابطه ی جنسی می خوان و نه حرف بعضی مردها درسته که میگن ما عابر بانک خانم ها هستیم .

بهترین دوست همجنس شما کیه ؟ چرا اون رو دوست دارید ؟ نهایتش اینه که با اون احساس خوشایندی بهتون دست میده . آیا اون دوست شما نمی تونه اعتراض کنه که تو به خاطر این با من دوست شدی که هوای تو رو دارم ؟ کلمت می کنم ؟

در زندگی زناشویی هم همین طوره . شما از مرد مهر و محبت می خواید و اون هم رابطه ی جنسی . نه میشه به خلقت شما اعتراض کرد و نه خلقت مردان . یه چیزی میدی یه چیزی میگیری .

وقتی قلبش رو تسخیر کردی ، کم کم می بینی که برای شنیدن دوست دارم از زبان شوهر ، مثل سابق نیازی به ارضای جنسی اون نداری . ابراز علاقه ها به اوقات دیگه هم تعمیم پیدا می کنه .

پس برای جلب توجه شوهر ، از رختخواب شروع کن . وقتی به کاری که برای اون ساخته شدیم عمل کنیم همه چیز خوب و آرمانی پیش میره . حالا بگذریم از بحث ثوابی که در این تبادلات نصیب هر دو طرف میشه .

نکته : زیاد خودتون رو درگیر اسامی نکنید !!! اصل موضوع رو بچسپید ! حالا قلب عاطفی نه ، محرک عاطفی ! رگ خواب مهریون شدن مرد !!! یا هر چیز دیگه . مهم اینه که اگه شوهرتون رو به نحو مطلوبی ارضاء کردید مثل لودر براتون کار می کنه ! مثل پروانه دورتون می چرخه ! همون طور که عرض شد کم کم کار شما به ابراز علاقه بدون رابطه ی جنسی هم میکشه .

موفق باشید

نظرات دوستان در باره این مطلب (۷۰)

۰۶ تیر ۹۳ ، ۰۰:۱۱ ایدین

اقای نجفی به حق جیزای نشینده.....

من تا حالا فکر میکردم قلبم همونی که خونم پمپاژ میکنه و قلب عاطفیم عملکرد احساسی قسمتی از مغزمه....

ولی حالا فهمیم قلبم کجا بوده خودم خبر نداشتم.(بخند جهت یه خورده شیطننت)

۰۶ تیر ۹۳ ، ۰۰:۲۰ !

عجب جایی قلبشون رو قایم کردن عقل جنم بهش نیبرسه چه برسه به آدمیزاد

نه نیداران عاشقشون کنی قایمش میکنند به همین دلیل بردن اون زیر قایمش کردن

هه هه وای یعنی اونایی که شکسته قلبشون رو زدن شکستن

یه چی دارن که نرمه

به روی چشم.

۰۶ تیر ۹۳ ، ۰۰:۲۴ محمد علوی

احسنت بر شما جناب نجفی.

واقعاً حرف حقی هست.

اگه از نظر خانم ها ما آقایون اینقدر پست و حقیر هستیم که همش حواسمون به رابطه جنسی هست؛ از نظر ما آقایون هم خانم ها موجودات پستی هستند چون مثلاً هم و

غشان رنگ پرده اتاق یا دکوراسیون اتاق یا اینطور مسائل سطحی و بی اهمیت هست. (البته بگویم اعتقاد خود بنده این نیست؛ صرفاً در مقام جدل دارم این مطالب را می گویم).

اما به هر حال حرف خانم ها تا حدودی قابل پذیرش است چون بالاخره مرد نیستند و از درون مردان و سلیق آنها و خواست های آنها آگاه نیستند. اما برخی مردان که شبیه حرف خانم ها را می زنند واقعاً برای من غیر قابل باور و مضحک است.

من از همین جا از طرف خودم و سایر مردان به خانم ها اعلام می کنم؛ حداقل در اوایل نوجوانی و جوانی اگر نگوئیم مهم ترین عامل لااقل جزء ۲ یا ۳ عامل مهم انگیزشی برای هر مردی جهت ازدواج بحث جنسی و روابط جنسی است.

یعنی اگر مردی ادعا کند من برای مسأله جنسی ازدواج نمی کنم از نظر بنده از دو حال خارج نیست: یا یکی از اولیاءالله در حد حضرت آیت الله بهجت(ره) است که صرفاً برای انجام وظیفه و برخورداری از برکات ازدواج می خواهد ازدواج بکند(البته خود رابطه جنسی نیز کلی ثواب و برکات دارد). یا اینکه با عرض مغفرت دارد مثل سگ دروغ می گوید.

اگر مردی واقعاً ادعا دارد بخاطر مسأله جنسی ازدواج نمی کند؛ با عرض مغفرت اول برود... اش را از بیخ بکند بعد برود ازدواج کند.

۰۶ تیر ۹۳ ، ۰۰:۳۲

آقای نجفی همیشه بیشتر توضیح بدین یعنی چی یعنی به زن دقیقاً باید چیکار کند بر شوهرش؟ مثلاً فقط اینکه هر چی تو این زمینه خواست نه نگیم؟؟ یکم بیشتر توضیح بدین همگی ممنون میشم

پاسخ:

سلام

این نکته خیلی مهمه که شما خانم ها چشم دل و شوهرتون رو سیر نکنید . به اشتباه و حشتناکی که بعضی خانم ها می کنن اینه که در تمام طول هفته لباس تحریک کننده می پوشن !

طبیعتاً کم کم جذابیت های جنسی چنین خانم هایی برای شوهرشون عادی میشه و خیلی راحت از کنارش میگذرن . نذارید جذابیت های جنسی تون همیشه جلو چشمش باشه . تشنه اش کنید بعد بهش آب بدید .

تعداد زمال رابطه ی جنسی در طول هفته ۲ بار هستش . نمیشه از زوج های جوان ایراد گرفت آگه طبیعی باشند کم کم به همین دو بار در هفته میرسه .

دقت داشته باشید که تحریک کننده بودن با آراسته بودن فرق داره . آراسته بودن یعنی این که لباس تمیز و مرتب بپوشید . لباسی که میزان تحریک کنندگی اون خیلی کم باشه . موها مرتب باشه ، ملایم آرایش کنید .

وقتی ۳ الی ۴ روز از آخرین نزدیکی شما گذشت و حس کردید که خودتون و شوهرتون نیاز دارید ، وقتشه که تحریک کننده باشید .

اگه پوست سفیدی دارید ، لباس تنگ و یا باز تیره رنگ بپوشید . اگه پوست تون سبزه است ، لباس تحریک کننده روشن بپوشید . آرایش باید غلیظ باشه . دامن چاک دار بپوشید به طوری که وقتی راه میرید شوهرتون پشت زانو های شما رو ببینه . طوری راه برید که سینه ها بالا و پایین بشه . اگه یقه باز پوشیدید به چایی یا شربت براش بیرید و رو به جلو خم بشید تا چاک سینه ها رو ببینه .

میشه گفت اکثر آقایون از دیدن برجستگی نوک سینه که از زیر لباس مشخص باشه تحریک میشن . اگه چنین لباسی دارید در مواقعی که قصد آمیزش دارید می تونید استفاده کنید .

معمولاً آقایون از ناخن بلند خوششون میاد مخصوصاً زمانی که ناخن ها رو با وسایل مربوطه آرایش کنید . (وسایل طراحی جهت اطلاع)
دامن های کوتاهی که تا بالای زانو هستن بپوشید .

اگه پاهای لاغر و رو فرمی دارید ساپورت بپوشید . (انواع ساپورت جهت اطلاع)

اگه چاق و قد کوتاه هستید به هیچ وجه از پیرامه یا همون تومبان خودمون استفاده نکنید چون نمای بیرونی بدن شما رو شدیداً زشت می کنه .

موها رو حالت بدید . مثلاً با بیگودی (جهت اطلاع) اونا رو فر کنید یا به طور موقت رنگ کنید (گچ مو جهت اطلاع)

وقتی از لحاظ ظاهری تحریک کننده شدید نوبت به شیطنت های حرکتی می رسه ؛ به بهانه های مختلف سعی کنید با اون تماس بدنی برقرار کنید . مخصوصاً سینه ها و باسن رو . فرض کنید شوهرتون در قسمت رو شویی داره مسواک می زنه ، فاصله ی اون تا دیوار خیلی کمه ! شما سعی کنید از همون قسمت خودتون رو بهش بمالونید و رد بشید .

یه چیزی دست بگیرید اون شی باید به طور اتفاقی ! جایی که شوهرتون حضور داره و شما رو می بیند باید روی زمین بیافته . بهش پشت کنید و خم بشید تا اون شی رو بردارید .

وقتی این علامت ها رو صادر می کنید ، شوهرتون می فهمه که به چیزی تون هست

!

کنگورو دادیم راحت شدیم.

تازه از کنگور خلاص شدم اودم اینجا یاد قلب لوله ای در کرم خاکی افتادم!!!!!!

(یه دونه ازون شکلک های قبحه های شیطانی لطف کنین)

۰۶ تیر ۹۳ ، ۱۳:۵۰ عسل بانو

خیلی زشته که قلب ؛ جایگاه مقدس عشق رو نسبت میدین به دو وجب پایین تر

می تونستین بهتر بیان کنین

درضمن اگه آقایون عشق و علاقتون علاوه بر مسایل جنسی به شخصیت و منش ما

خانوما باشه ؛ خانم هم متقابلا پاسخ خوبی در قبال این چیزا میده و طبیعیه رابطه جنسی

بهتری رو خواهند داشت

بهتره یه مطلب هم واسه آقایون بذارین که اگه میزان درک و فهمشون رو بیرن بالا

و خانم رو درک کنن و ابراز علاقه رودر زمینه های مختلف بهش نشون بدن خانم

ناخودآگاه تسخیر میشه و هرکاری واسه آقاش میکنه

بهتره یه مطلبم واسه آقایون بذارین آقای نجفی

۰۶ تیر ۹۳ ، ۱۷:۲۰ محمد علوی

سلام جناب نجفی

چرا کامنت من تأیید نشده؟

اما خطاب به عسل بانو:

کی گفته عشق مقدسه و رابطه جنسی نامقدس؟؟!! بر چه اساسی دارین اینو میگین؟!

۰۶ تیر ۹۳ ، ۱۹:۱۲ و شاید عشق

سلام

با عرض معذرت منم با این مطلبتون مخالفم.

هم ارزش مرد رو نابود کردین هم زن رو

در ابتدا قلب عاطفی مرد رو دو سه وجب پایین تر از قلبی که تاپ تاپ میکنه

معرفی کردین

اشتباه نکن ، قلب عاطفی مرد اونو نیست که تاپ تاپ می زنه ! دو سه وجب برو

پایین تر !

خب پیامبر اکرم (ص) هم مرد بود لابد ایشان هم قلب عاطفیون همونجاست؟؟؟

عجب!!

کانون مهر و محبت مردا رو بردی کجاشون قرار دادی!!

آیا این همونیه که خدا بعد از خلقتش گفت/فتبارک الله احسن الخالقین /

بعد هم علت ابراز علاقه نکردن مرد به زن رو نرسیدن خانم به زیر شکم مرد دونستین

بهش برس بین میگه دوست دارم یا نه؟! قریون صدقه ات میره یا نه؟! براش

عزیز میشی یا نه؟!

بنظرتون خیلی پست نیست قریون صدقه ای که زن این جور بدستش بیاره؟؟

و برای مرد هم زشت نیست که فقط جون نیازش رفع شد قریون صدقه زنش بره؟؟

لابد اون مردی که به هردری میزنه که مریضی زنش خوب بشه فقط واسه اینه که وسیله

رفع ریز شکمش از دستش زه!!!!!!

در ادامه هم علت تمایل مرد به زن رو فقط رفع نیاز همون دوسه وجب پایین ترش

دونستین و به خانما هم گفتین که به خلقت خدا اعتراض نکنن.

نگو مردان چه موجودات پستی هستند . ما رو فقط به خاطر رابطه ی جنسی می خوان

. به نوع خلقت خدا اعتراض داری

یعنی هدف خلقت زن فقط فرو نشاندن آتش شهوت و هوس مرد است و جز

برای این کار مرد تمایلی به زن ندارد. در حالی که خدا زن را برای آرامش مرد خلق

کرد.

اولین باری که حضرت آدم (ع) حضرت حوا(ع) رو مبینه به خدا میگه

یا رب فبذره امتک حواء قد رق لها قلبی قلن خلقها؟؟ خلق لک لتسکن الدنیا

/خدایا این بنده ی تو حواست دلم به سوی او متمایل شده است او را برای چه

کسی آفریدی؟/

خدا بهش جواب میده

/ که او را برای تو آفریدم تا در دنیا آرامش یابی /

اینو همون میدونم دیگه الا بذکر الله تمنن القلوب / آگاه باشید که دلها تنها با یاد

خدا آرامش می یابد/

چی شده که خدا یه جا میگه تنها یاد خدا آدم رو آرام میکنه و جای دیگه به حضرت

آدم میگه حوا رو آفریدم که تو آرامش یابی؟؟؟؟

آقای نجفی در ادامه هم گفتین که

شما از مرد مهر و محبت می‌خواید و اون هم رابطه‌ی جنسی . نه میشه به خلقت شما اعتراض کرد و نه خلقت مردان . یه چیزی میدی یه چیزی میگیری

با این جمله فلسفه استوارترین بنای اسلام رو معلوم کردین / یه چیزی میدی یه چیزی میگیری /

خداوند زن رو آفرید تا مرد کنار زن آرامش داشته باشه / لتسلکنا الیها / و این آرامش هم از لحاظ جسمی هست که رفع همین دو سه وجب پایت تره و هم آرامش روحی

چرا که زن کانون مهر و محبت و احساسه و در سختی‌ها و مشکلات زندگی به شوهرش آرامش و دلگرمی میده و پاریش میکنه / وجعل بینکم موده ورحمه /

از رختخواب شرو کن تا قریون صدقت بره به درد نمیخوره

مرد تکیه گاه و زن است و زن هم آرامش دهنده به مرد.

زن هدیه و امانت‌بست از طرف خدا برای مرد

پاسخ:

سلام

نظر شما محترم ولی ...

مردها دو دسته هستند . یا اونقدر کمالات دارن که بدون رابطه‌ی جنسی به همسرشون محبت می‌کنن . مثل پیامبر صلی الله . یا برای این که بتونن به همسرشون علاقه نشون بدن نیاز به یه محرک دارن .

فرض کنیم اعلام بشه از فردا صبح هیچ مردی حق نداره با همسرش رابطه‌ی جنسی برقرار کنه . فکر می‌کنید چه بلایی سر روابط عاطفی زن و شوهرها میاد؟!

مردها این طوری آفریده شدن !

" لابد اون مردی که به هردری میزنه که مریضی زنش خوب بشه فقط واسه اینه که وسیله رفع ریز شکمش از دستش زره!"

شاید باورش براتون مشکل باشه ولی بعضی‌ها که هنوز عاشق همسرشون نشدن این طوری باشن . عرض شد که کم کم ابراز علاقه‌ها به سایر اوقات هم تعمیم داده میشه . در این شرایط هست که مرد از زنش بدون چشم داشت جنسی پرستاری می‌کنه " یعنی هدف خلقت زن فقط فرو نشانندن آتش شهوت و هوس مرد است و جز برای این کار مرد تمایلی به زن ندارد. در حالی که خدا زن را برای آرامش مرد خلق کرد. "

خیبر!!! بنده کی چنین حرفی زدم؟! عرض شد که برای ایجاد علاقه‌ی مرد به زن چنین مسیری باید طی بشه . لطفا متن رو به بار دیگه و با دقت بیشتری مطالعه بفرمائید

حساب پیامبران و اولیاء خدا رو با مردان معمولی یکی نکنید! آگه دختری دوست داره با مردی ازدواج کنی که بدون رابطه‌ی جنسی اونو دوست داشته باشه باید به دنبال یکی از اولیاء خدا بگرده!

این همه ثواب‌های عجیب و غریب برای رابطه‌ی جنسی در قالب ازدواج بیان شده ، آیا به این دلیل نیست که از قبل این ثواب‌ها مرد در کنار خانمش به آرامش برسه و یه تکیه گاه برای اون باشه!؟

موفق باشید

۰۶ تیر ۹۳ ، ۱۹:۳۵ نیلوفر آبی

منم تایید می‌کنم - مردها فقط بنده دو چیز هستن - شکم - و زیر شکم (چیزی که من تا الان دیدم)

خانم وقتی که بخواد به خواسته اش برسه - مثلا خرید مانتو - از اقا گرو کشی می‌کنه " رابطه نداره - تا اقا براش خرید بکنه " بعد رابطه داشته باشن

تازه بعد از چند سال زندگی دیگه مثل اوایل نیستن - اقا فقط به سمت خانم میره - یه معاشقه کوچوکو - بعدش دخول و بعد خانم می‌زاره کنار

چیزی که من در اکثر خانمهای متاهل می‌بینم - و دلخور هستن - دیگه از اون ارامش - و علاقه و نوازشها خبری نیست

مردها فقط به خاطر سکس ازدواج می‌کنن - همه که مذهبی نیستن - پس از دید مذهب نگاه نکنید - اما آگه سکس نبود که هیچ پسری تو این گرونی تن به ازدواج نمی‌داد - می‌زاشت زمان پیری که یه همدم داشته باش

۰۶ تیر ۹۳ ، ۲۰:۵۳ امیر محمد

افسردگی گرفتم بسکه از این جور مطالب خوندم اه اه

اصن لعنت بر ازدواج که بخاطرش انقدر خانومت ازیت میشه منگه دیگه حالم بهم خورد

بیخشید

۰۶ تیر ۹۳ ، ۲۱:۲۶ صابر

خخ .. ادم تو این تو این وبلاگ میاد با بعضی پستایی که مبیننه و نظراتم که میخونه دیگه تکلیل میشه .. کلا از زندگی نا امید میشه خخخخ بابا نیاز جنسی که درست ولی قلب هم داریم خدایی خخخ

در صورتی که اونها می تونستن شب قبل بدون رابطه و با معده خالی برای آزمایش

بیان-

ولی من اینطور فکر نمیکنم. تاثیرگذار هست ولی مردها قلبای بزرگی دارن

اما دقیقا برعکس بود

به نیلوفر ای:

در ثانی می خوام نظر شما رو قبول کنم- اما واقعیت اطرافم چیزی خلاف سلايق و
علايق شماس-ت- اکثر ازدواجها به خاطر پول- و سگس هست

اگه سگس نبود که هیچ پسری تو این گروهی تن به ازدواج نمیداد میذاشت زمان
پیری که به هدم داشته باشه

۰۷ تیر ۹۳ ، ۴۰:۰۰ مونا

اقای نجفی میخوام محتوای این نوشته رو به بزرگان و اساتید نشون بدم (صرفا برا اینکه
تکلیف خودمو بفهمم ودرست بیاموزم) شما هم این کارو بکنید لطفا. چون به نظرم خیلی
اشتباه نوشتید. به این شدت هم نیست که میفرمایید.

کاملا با این حرفت مخالفم. ببین تو همین گروهی هم میتونی ازدواج کنن و برن
سراغ خانومای خیلی بیخشید خراب و نیاز جنسیشون رو برطرف کنن(که البته کم هم
نیستن آدمایی که این کارو میکنن) ولی همین افراد بعد چند سال در حالی که دارن
به خوبی هم ارضا میشن ولی میگن زن میخوایم دیگه دوس داریم ازدواج کنیم.
چرا????????????????????

۰۷ تیر ۹۳ ، ۵۵:۰۰ SIHH

خواهش میکنم ناراحت نشید ولی نمیخورد قلم به فرد فرهنگی و تحصیلکرده باشه

اون ارامش رو ندارن زندگیشون بی ثمره اون همدی رو که گفتی رو
ندارن.....

اودوووووووووووووو چقد طولانی!!!!!!نی،فردا عمری بود مزاحم میشیم!!!

نمیدونم منظورمو تونستم برسونم یا ن

آقا صابر باز اینجایی ک وب گردی نشد زندگی هان!!!!!!!!!!!!!! با خانواده حرفیدید
یا خودم بحرفم؟؟؟؟!! حرف زدی چرا پا حرفت نیسی؟! هه هه هه

۰۷ تیر ۹۳ ، ۲۹:۰۰ حلما

در حالی که هدف ابادیست ولی به نظرم تخریب کردن

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۳:۰۱ فاطمه ۳۰

ساکت بابا چه خبرتون. یه دقیق ساکت. اهم.....صدا میرسه؟؟؟؟؟؟

با بعضی از صحبت هاتون موافقم ولی اکثر جاهاشم خیللیلیلیلیلیلیلیلیلی بد گفتین

شک ندارم که قداست مردان فرای اینهاست

بابا چه خبرتونه چرا بر خیباتون انقدر تند رفتین که برخی دوستان رو ناامید کردید. بابا

۰۷ تیر ۹۳ ، ۳۴:۰۰ نیلوفر آبی

سوء تفاوت شده :(((((((((چشمک لطفا) خب توضیحات آقای نجفی انصافا بجا
و درست هست ولی برخی دوستان بد برداشت کردند. توجه کنید دوستان: اهم

به و شاید عشق:

....صدامیاد؟؟؟؟:(((((((((شکلک شیطنت لطفا) دی دی دیدینگ :اهم اخبار: این

ایا شما متاهلید؟- برو کمی با متاهلها بگرد ببینن چی بهت میگن؟-

پست خطاب به خانمهایی هستند که تو خونه برا شوهراشون آراسته نیستن یعنی نه
آرایش نه سرو وضع درست و حسابی نه طنازی نه چشم نازک کردن نه ناز و عشوه ای

کتابهای روانشناسی و علمی رو کمی بزار کنار- برو تو واقعیت یه نگاهی بنداز

نه حتی حرف با محبتی گاهی اوقات حتی نه دستت درد نکنه ای چیزی به شوهرای
بیچاره شون نیگن ولی وقتی میخوان یه ساعت برن سرکوچه وسبزی بگیرن چهار

ساعت آراه چهار ساعت جلوی آینه میشینن و آرایش میکنن ولی توجه نمیکنن که
بابا این آرایش برای محرم خودته برای شوهر خودته که خوشگل بینتنت و پیره بغلت

کنه نه برای مردهای تو کوچه وخیابون . اهان درسته شما این آرایشها و ناز و عشوه
ها رو برای شوهرت تو خونه بکن ببین چطوری عزیز میشه..... این بود ماجرا

دوستان.(چشمک لطفا)

۰۷ تیر ۹۳ ، ۳۳:۰۱ کوش طلا

بر حسب شغلم- یه روز برای ارگانی که هم مذهبی هستن- قرار بود روز بعد از همه
اونها آزمایش خون و ادرار گرفته بشه- و باید از ساعت ۸ شب قبل غذا نخورن

اما وقتی که جواب آزمایش اومد- خیلی جالب بود- از تعداد ۵۰ نفر پرسنل- حدود
۳۰ نفرشون شب قبل رابطه جنسی داشتن- یعنی این محرومیتی که باید برای ناشتایی

صبح می داشتن- باعث حریص شدن اقایون شده بود که اکثرشون برای خالی
کردن استرس و آرامش- شب قبل رابطه داشتن

واقعیتی غیر قابل انکاره

مردا عطششون برا رابطه بیشتره

چون زودتر و حتی با افتادن برگ (شوخی) تحریک میشن

مردا بعد رابطه ،مٹ گریه ها ملوس میشن

چون به مراد دلشون رسیدن

البته برا زنها هم صدق میکنه

ولی مردا بیشتر تحریک پذیرن و نیازشونه

حتی مردای زهر مار ،بعد رابطه کسی عسلی وه شیرین میشن

دورغه محضه که امرد بگه بخاطر سکس ازدواج نیکنه ، بیشترین درصد ازدواجشون ،سکسه.

به مامان هادی

هنوز دلت از شوهرت صاف نشده؟

هنوز ازش دلخوری؟

۰۷ تیر ۹۳ ، ۰۱:۳۷ اوه مای کامپیوتر

مسئله ی نیاز جنسی و مسئله ی عشق دو مقوله ی جداگانه هستند.

۱ - اگر قلب مرد دستگاه تناسلی اونه ..پس عشق در وی تنها به معنای شهوت است !!!!

۲ - وقتی یک مرد عاشق خدا میشود ، وقتی عاشق فرزندان و خانواده (همسر و والدین و برادر و خواهر) می شود آیا این عشق به آنها منشاء شهوانی دارد ؟؟؟؟؟!!!!

۳ - آیا مردانی که عقیم هستند و یا شهوت در آنان به کلی خاموش است ، دیگر هرگز نمیتوانند عشق را تجربه کنند چون دریافت کننده ی عشقشان کار نیکنند ؟

۴ - با عرض پوزش ، برادر نجفی گرامی ، آیا پدر شما به خاطر شهوت و مسائل جنسی به شما عشق می ورزیده اند ؟؟

۵ - آیا این حرف درستیت ؟

مطلقا خیر .

مسئله اصلی اینجاست که بسیاری از ما نمی دانیم که عشق و شهوت با یکدیگر تفاوت دارند.

ذات عشق نثار کننده ولی شهوت دریافت کننده است.

مشکل اینجاست که عشق به اندازه ی جمعیت بشر بر روی زمین ، دارای تعاریف و معانی بسیار است. به قدری که در نهایت هیچ تعریف جهان شمول و قطعی برای آن وجود ندارد.

و هر کس عشق را به گونه ای متفاوت ادراک می کند لذا برداشت هر کس هم از عشق متفاوت می باشد.

جای عشق نه تنها در قلب و نه تنها در دو وجب پایین تر از آن ، ... بلکه در سراسر وجود آدمیست .سرشته با ذره ذره ی جسم و روح و ذهن ماست.

و من الله توفیق.

۰۷ تیر ۹۳ ، ۰۲:۱۴ به محمد علوی

برای این که رابطه جنسی رو حیوانات هم دارند ولی عشق تکرار میکنم عشششق چیزیه که فقط انسانها درک میکنند باز هم تکرار میکنم فقط انسانها

۰۷ تیر ۹۳ ، ۰۲:۲۲ به محمد علوی

ایا شما در ذهن و اندیشه ایت الله بجت بوده اید که ایشان از رابطه جنسی لذت نمیبردند و فقط به خاطر وظیفه این کار را انجام میدادند یا که ایشان خودشان به شما گفته اند

ضمنا یک حدیث از یک معصوم خواندم با این مضمون که بهترین لذت دنیا خوابیدن در کنار زنان است (منظور همسرانشان)

۰۷ تیر ۹۳ ، ۰۵:۵۴ به کسی

دوستانی که اینجا اعتراض می کنین

فراموش نکنین که تم و زمینه اصلی این وبلاگ در مورد همین مسائله، یعنی از کل ۱۶۸ ساعت یک هفته، اکثرا در مورد اون ۱-۳ ساعتی که به این امور اختصاص داده رو بحث می کنه

زمان کسی که با ترویج فرهنگ غلطه الان دلیل بسیاری از طلاق ها شده

این بحث ها به هیچ وجه مردانگی و سایر ویژگی های مثبت آقایون رو نمی خواد به چالش بکشونه

پس جای هیچ اعتراضی باقی نمی مونه

۰۷ تیر ۹۳ ، ۰۹:۳۵ ارام

اگه قلب عاطفی مرد همین پایینه پس چرا بعضی از پسرای که با بعضی دخترا رفیق میشن ورابطه جنسی خوبی هم دارن ولی بهشون محبت ندارن و فقط لحظه ای که

احساس نیاز میکنن مته پروانه دور دوست دخترشون میگردد؟؟؟وزمانی که موقع ازدواجشون میشه دور این دخترارو خط میکشن؟؟

خب این دخترهم تو زمان دوستیشون به نیاز رفیقش بخوبی جواب داده...

نیاز جنسی چیزیه که آگه پش پاسخ داده بشه هردو ارامش میگيرن ولی تمام ارامش به نیاز جنسی خلاصه میشه؟؟؟؟؟؟؟؟

آگه اینطوره پس چرا تو به مستند راجبه طلاق نشون میداد مرد پیش مشاور با گریه میگفت زن من تو خونه هست به نیازم جواب میده نشده چیزی ازش بخوام وبیم جواب رد بده ولی دلش پیش من نیست منو دوست نداره

توبه مجله هم داشتم میخوندم به اقای سوال پرسیده بود خانم ۷ سال از رابطه جنسی خودداری میکنه من با تمام وجودم دوستش دارم ولی میخوام این لذتم کنارش تجربه کنم تا همه چی تکمیل بشه...خب این مرد هم به نیازش پاسخ داده نشده باید زنه بیره...

ارامش زن ومرد به نیاز جنسی.محبت.احترام.عشق و علاقه اس نه فقط به رابطه...

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۰:۱۴ lida

او لا لاچه حرفا چ چیزا!!!!

پس این که میگن طرف عقلش تو شورتشه راس میگن!!!! اهان سانسور کنی مستر...جمله ادبی بود

واه اقا امیر محمد خیلی با احساسه با احساساتش بازی کننید

اقا شما اینا رو به خودت نگیر...بهترین باش فقط

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۳:۵۷ دختر

موافقم.مردا فقط دنبال هوسشون هستند. فقط هم برا همین ازدواج می کنند.دست خودشون هم نیست.

سطح فکریشون بیشتر از این قد نمی ده.و بیشتر از این را نمی تونن درک کنند!!!

اصلا هدف از ازدواج را فقط تو همین می بیند.تکامل و محبت و... بی خیالش!

براشون هم فرقی نداره دختری که باهش ازدواج می کنند باهوشه یا نه.با اخلاقه یا نه.می تونه درکشون کنه یا نه. فقط خوشگل باشه!!!

خوب خانم ها هم فیمیدن و فقط دیگه خودشون را خوشگل می کنند تا انتخاب بشن. دیگه به مسائل اخلاقی چرا برس.

لایک آقای نجفی!

چقدر خوب اعتراف کردین.

پاسخ:

سلام

پیشنهاد می کنم تا وقتی چنین تفکری دارید ازدواج نکنید .

موفق باشید

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۴:۲۰ X

این چه نظراتیه که بعضیا گذاشتن یکی اومده با انگشت به ماه اشاره کرده همه گیر دادن به انگشت (دقیقشو یادم نیاد)

این به جور بزرگنماییه تو حرف زدن .ینی آگه به مرد از اون نظر ارام نگیره با زنش ،بعیده که قلبا با زنش جور باشه .والا مگه مردا قلب ندارن .قلبی که توش مادرودرودخواهروبرادرودوستان شونو دوس دارن.واین یکی قلب به جور کانون توجه که مخصوص زن یک مرد است. ینی حساسیتش واسه به مرد به اندازه قلبش واسه زنش.....خیلی سخته نوشتن این مفاهیم

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۵:۱۱ مریم م

بعضی از مردا به معنی واقعی مرد هستند شما با این حرفتون مرد و پایین آوردین و تنزل دادین مرد بودن با ز بودن فرق میکنه برای با زن بودن باید مرد باشی نه زرررر البته نیشه نیاز جنسی رو هم نادیده گرفت ولی نه اینکه قلب که منبع مهر و علاقه و عشقه با دو وجب زیر شکم مقایسهش کنید آگه فقط ز باشی هیچ وقت نیشه قلب یک زن رو بدست بیاری و به ارامش برسی ولی آگه مرد باشی و بتونی قلب یک زن رو بدست بیاری اون به همه نیازات میرسه و اون وقته که ارامش سهم هر دو طرفه

پاسخ:

سلام

مشکل همین جاست . مرد چطور باید قانع بشه که به زنش به طور عاشقانه عشق بورزه . چرا فکر می کنید که آگه مرد طبق طبیعتش رفتار کنه مرد نیست !؟

به چیزی که میگم عمل نکنید ! :

شما هر کاری که بلدید انجام بدید تا شوهرتون شما رو دوست داشته باشه . مثلا همیشه غذا آماده باشه ، خلوتش رو به هم زنید و ... ، ولی رابطه ی جنسی گرمی با اون برقرار نکنید . بعد ببینید روابط شما مثل دو همکار در محیط اداره میشه یا نه !

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۷:۱۶ SIIH

خب تا اینجا ک مطالب آقای نجفی رو خوندم درست بود

سلام

بنده حرفی از مردی و مردوگی نزد همین طور در مورد مقام و منزلت مرد چیزی نگفتم
. دلیل تأکیدم روی این نکته رو بعدها مفصلا توضیح میدم .

نقل قول از آقای دهنوی :

ریشه ی ۸۰ درصد اختلافات زوجین از رختخواب سرچشمه میگیره !

۰۷ تیر ۹۳ ، ۲۱:۳۱ SIHH

ب محمد علوی

سرتون درد میکنه برا دعوها!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

این آقای دهنوی هم حرفای خوبی میزد گلبرگو بدروووووووووود گفت

۰۷ تیر ۹۳ ، ۲۱:۴۳ مریم م

شما مثل اینکه فقط یه قسمت جمله منو خوندین و متوجه منظور من نشدین شما عشق
و شہوت و با هم قاطی میکنید و با من با این مخالفم

۰۸ تیر ۹۳ ، ۰۱:۲۱ جواب عسل بانو به آقای علوی

آقای علوی من همچین حرفی نزدمولی این میتونست بهتر بیان شه

نه اینکه به این شکل

میتونست اینجوری بیان بشه که عشق و رابطه جنسی به هم مرتبط هستند

نه اینکه یهو و یکجا بگه عشق دو وجب پایین تره

خیلی بهم برخورد خیلی

بیانش اصلا خوب نبود

۰۸ تیر ۹۳ ، ۱۰:۵۴ maryam

۲ تا سوال داشتم آقای نجفی لطفا جواب بدید:

۱- یادم میاد تو وبلاگ قبلی دو تا پست راجع به نیاز عاطفی مردان گذاشته بودید که
همه اقایون گفته بودند اولویت اولشون نیاز عاطفیه

حتی یه نفر هم گفته بود نیاز اصلی اش جنسیه حالا این پست با اون پست یه جا
جمع نمیشن چر!!!!!!!!؟؟؟؟

یا مطالب این پست رو خییییییییییی صدق نمیکنه یا تو اون پستی که میگم هیچ کدوم
پاسخ صادقانه ای نداده بودند.....

۲- چرا قبل از ازدواج خییییییییییی ادعای دوست داشتن (به اصطلاح عاشق شدن)

آقای نجفی خاسم ی حرفی براتون بفرسم، خیلی با خودم کلنجار رفتم، چند بار نوشتم
پاک کردم آخرم نفرسام! ی برداشتی از مطلبتون داشتم خاسم ببینم درست هس
یا نه آگ اجازه بدید بگم؟

اما نظر خودم تا برم نظراتو بخونم

رفتار درست ی زن با شوهرش مٹ رفتار ی مادر با پجشه! بچه میطلبه و وادارت
میکنه ک خیلی کارها براش بکنی بدونه هیچ توقعی!!!

حالا بستگی داره ک دیدت از این موضوع چی باشه!!! بچه وقتی میره دشویی نهایت
کاری ک کنه دشویی کردنه شستنش ک دیگه کار مادرست، مادره نییاد ب بچه بگه
ک تو فقط منو برا... شستن میخای چون کاری ک میکنه از رو عشقه حالا میخاد ...
شستن باشه میخاد صورت شستن باشه!!!

این خاصیت زن هاست ک باید جوابگو عواطف باشن چون خودشون سرشار از
عاطفن و بهترین کسی ک میتونه نیازها و احساسات ی مرد رو ارضا کنه زن ها
هسن و این باعث غروره نه خفت ک خدا تو وجود زن ها گذاشته و همینه ک
باعث میشه بتونه با صبر و حوصله و عشق بچه ای رو ۹ماه تو شکمش نگه داره و با صبر
و حوصله و عشق بزرگش کنه، هر کاری کاره مرد جماعت نیس ک وگرنه خدا
مینداخت تو شکم اون، همونطور ک عادت ماهانه رو چن وقت انداخت دید بابا این
مردا این کاره نیسن باید مامانشون همش دنبالشون باشه و همیشه!!! حتی ارضای
خودشم کار خودش نیس! وگرنه خدا برا چی بگه ازدواج کنیده هر کی خودشو ارضا میکرد
دیگه

حالا برم ببینم دوسان چ فرمایشاتی داشتین

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۷:۵۴ مهسا

از راه تبلیغات

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۷:۵۸ مریم م

سلام آقای نجفی توصیه شما برای من کاربرد نداره چونولی بابت صحبتتون
همون طور که قبلا هم گفتم مخالف نیاز جنسی نیستم چون یکی از عوامل تشکیل
خانواده و کشش مرد و زنه با روابط گرم زناشویییم کاملا موافقم چون از لحاظ دینی خیلیم
بهش تاکید شده و اگر درست انجام بشه اون آرامشه بدست میاد بحث من اینه
که چرا این همه تاکید میکنید فقط رو این موضوع و اونو با قلب مقایسه میکنید البته
بعضی از مردا هستند که همش تو این چیزان ولی واقعا مردی و مردوگی شکم و دو
وجب زیر شکم نیست مردی فراتر از این حرفاست

پاسخ:

که هر دو تاش بازم قشنگه چون عشقه ♥♥

اون موقع دیگه دلبستگی از بین میره.....

۰۹ تیر ۹۳ ، ۰۲:۵۷ اوه مای کامپیوتر

یعنی از اول هم دلبستگی در کار نبود فقط از روی عادت بود

خدایا مارا مورد رحمت خودت قرار بده

ماها عادت کردن رو با دلبستگی قاطی میکنیم!!

..... آمین

۱۱ تیر ۹۳ ، ۰۳:۵۴ اوه مای کامپیوتر

به مریم :

۰۹ تیر ۹۳ ، ۰۳:۰۱ ۲۲

سلام.

من مجرمم اما اینو فهمیدم تا قلبت واسه کسی تالاب تالاب نکنه عمرا آدم خودشو به زحمت بندازه !!!!

((چطور میشه به یکی که نه باهاش حرف زدی و نه رابطه ای داشتی

۰۹ تیر ۹۳ ، ۱۱:۵۴ maryam

عاشقش بشی این برام سواله !!!؟؟؟ همچنین معمای حل نشده؟؟؟))

منمون از پاسختون ولی تا اونجاییکه من یادم میاد تو اون پست بحث مسائل جنسی مطرح نبود!!

شما برای عاشق شدن دنبال دلیل می گردی و این طبیعیه . ولی بعضیا برای عاشق شدن دنبال دلیل و غیره و غیره نمی گردن. فی نفسه عاشقتن و عشق می ورزنند.

۱۰ تیر ۹۳ ، ۱۸:۴۷ maryam به اوه مای کامپیوتر

یا همون طور که گفتم دچار عشق در نگاه اول میشن یا به طور ناگهانی شخصی رو می بینند که دقیقا همون آدم توی رویاهاشه !! یا اینکه به حس شهودی یا برعکس نفسانی و شهبانی باعث کشش عجیب این فرد به شما میشه ! یا این که بعضیا ذاتا آدم شناسند و با همین زیر نظر گرفتنت خیلی چیزا ازت دستگیرشون میشه ! زرنگن دیگه ، خودشون زود می فهمن طرف کیه و چجوریه و چند چنده !!!

من قانع نشدم

چطور میشه به یکی که نه باهاش حرف زدی و نه رابطه ای داشتی

عاشقش بشی این برام سواله !!!؟؟؟ همچنین معمای حل نشده؟؟؟

اخه میدونید تو این پست گفته شده آگه مرد با زنش رابطه جنسی برقرار کنه باعث عشق و محبت میشه

البته من که خودم عرض کردم چجوری عاشق شدم ، با زیر نظر گرفتن و غیره و غیره و غیره و.... غیره. هر کسی به جور عاشق میشه دیگه . نمیشه انتظار داشت همه ی آدمها به جور عاشق بشن . اصلا خیلی دلایلی بیشتری هست که باعث شده ملت عاشق کسی بشن ؛ مثلا طرف به خاطر قیافه ی کسی یا صدای شخص یا محبت و مهربونی ذاتی شخص یا ایبان ظاهری و معصومیت ظاهری کسی یا ثروت یا غیره و غیره ...

یعنی در صورتی مرد میتونه به زنش ابراز علاقه و عشق بکنه که رابطه جنسی داشته باشه پس این یعنی کسی که قبل از رابطه با یه نفر دیگه بهش ابراز علاقه میکنه کشکه!!!

در هر صورت این دو با هم تناقض شددددددید دارند.

۱۰ تیر ۹۳ ، ۱۸:۵۱ maryam به اوه مای کامپیوتر

عاشق اون شخص شدن !!!

مورد سومی که گفتید :

کلا عاشق شدن لوزوما و ضرورتا دلیل نمی خواد . اصلا آخرش بهت میگم که مریم عشق کوره ، کره ، خره ، : حالا فرض کن . یه آقا پسری دچار این کوری و کوری و خریّت شده . قانع شدی ؟ :

(وقتی رابطه ی خاصی حتی در حرف زدن هم ایجاد نشده ولی وی اظهار عشق و علاقه می کنند ، تنها به علت شدت دلبستگی فرد به شماست ، که حتی بدون هیچ تمّتع خاصی ، صمیمانه به شما عشق می ورزد. ♥۱۰۰٪)

((اخه میدونید تو این پست گفته شده آگه مرد با زنش رابطه جنسی برقرار کنه باعث عشق و محبت میشه

به نظرم بعد از مدتی که زندگی مشترک تشکیل شد و دو نفر کم کم همو شناختند و نقصاشون آشکار شد(در صورتی که قبل ازدواج به اصطلاح کور و کر شده بودند و عیب و ایراد همو نمیدیدند)

یعنی در صورتی مرد میتونه به زنش ابراز علاقه و عشق بکنه که رابطه جنسی داشته باشه پس این یعنی کسی که قبل از رابطه با یه نفر دیگه بهش ابراز علاقه میکنه کشکه!!!))

نه!!!! اشتباه برداشت فرمودین عزیزم. رابطه جنسی مهمه ولسی منظور از این که آگه مرد با زنش رابطه ی جنسی برقرار کنه ، باعث عشق و محبت میشه ؛ یعنی این که عشق و محبتشان به هم افزون تر می شود. به نظر تو مرد تنها در صورتی که به با زنش رابطه داشته باشه ، می تونه بهش عشق بورزه؟؟؟ نه!!!! عشق و عاطفه و محبت و ایثار و وفاداری وابسته شهوت نیستند و هرگز به گدایی شهوت نمی پردازند . بلکه دلیل عشق ورزیدن و محبت کردن زن و شوهر به هم تنها محبت دیدن و مورد عشق قرار گرفتن از سوی همسر است . یعنی که تو به شوهرت عشق می ورزی و بهش محبت میکنی و مثلا نوازشش میکنی یا می بوسیش که اون وقت شوهرت هم تورو در عشق غرق میکنه و میاد دستتو یا صورتتو یا حلالا.... می بوسه و نوازشت میکنه یا در آغوش می گیرت و بهت ابراز محبت میکنه. شنیدی که می گن محبت ، محبت میاره ؟.. یعنی همین. تو به شوهرت محبت کن و عشق بورز بین به تو عشق نمی ورزه ؟

اصلا خیلیا هستن که زنشون بهشون محبت هم نمی کنه چه برسه و آمیزش ، اون وقت مرده طفلی بدجوری عاشقشه !

اصلا من خودم همین امروز اشتباهی به جای خوندن مطالب جدید این سایت ، وارد بخش مطالب قدیمی شدم و به یه پستی بر خوردم که خلاصه ی مضمونش این بود :

((سلام من مردی هستم که زنش خیلی اخمو و خشکه و بد اخلاق . اصلا به من محبت نمی کنه و انگار منو دوست نداره . رابطه ی جنسی داریم اما محبت و عشق ... نه می خوام ازش طلاق بگیرم !!!!)) متوجه شدی که مرد نه به خاطر روابط جنسی بلکه به خاطر بی محبتی و عشق نوزیدن زنش خواسته طلاق بگیره !! بدون روابط جنسی واقعا سخته ولی ممکنه اما بدون عشق و محبت ... نه. چرا که همه چیز با نفرت انجام خواهد شد مثلا روابط جنسی بدون محبت ، مزجر کننده است. زن و شوهری به معنای کامل کلمه از بین میره و میشه ز و ماده !!!! تازه آگه قضیه ی بی محبتی به نفرت و دشمنی نلشه !!! اون وقت بین همیشه رابطه ی جنسی داشته باشن !

. و آگه بخواد به اون صورتی شما برداشت کردین باشه ، معنیش میشه این که عشق تنها و تنها شهوت است ولا غیر ؛ که در اون صورت عشق دروغی بیش نیست ! که در این صورت تمام پیوند ها شهوانی است ! نه عاشقانه !!!!

دیگه نباید بگن پیوند این دو نوگل عاشق ، بلکه باید بگن پیوند این دو ز و ماده ی شهوتی مبارک !!!!

خودت میگی : ((اخره میدونید تو این پست گفته شده آگه...))

توی این پست گفته شده کی گفته ؟ خدا گفته ؟!!!!!! نه ! پیامبر ؟ نه ! معصومین ؟ نه ! ققیان ؟ نه ! پس چرا این قدر چند تا حرف بی حسابو ، حسابی جدی گرفتی ؟!!!!

نه جانم . نه عزیزم هر حرفیو که نباید قبول کرد و پذیرفت !!!

من خودم توی یکی از پستای دکتر فرهنگ به شدت اعلام مخالفت کردم و اشتباه بودن تفکرات این شخص در باره ی مسئله ای رو با ذکر دلایلی منطقی ، اثبات کردم و دیگه هم نظراتشو چشم بسته تایید نمی کنم.

((پس این یعنی کسی که قبل از رابطه با یه نفر دیگه بهش ابراز علاقه میکنه کشنه!!!!))

خوب حالا به نظرت هنوز هم کشنه ؟ من خودم الان یه سند و مدرک زنده مبنی بر وجود چنین عاشق هایی هستم . که مثل من بس میارند !!

((به نظرم بعد از مدتی که زندگی مشترک تشکیل شد و دو نفر کم کم همو شناختند

و نقصاشون آشکار شد) در صورتی که قبل ازدواج به اصطلاح کور و کر شده بودند و عیب و ایراد همو نمیدیدند)

اون موقع دیگه دل بستگی از بین میره.....))

عزیزم اون دل بستگی که ازش حرف میزنی عشقه !!!

به نظرت وقتی عاشق کسی شدی ، پیش خودت فکر کردی که بی نقصه ؟!! نکنه فکر می کنی داری با خدا ازدواج میکنی ؟ نعوذبالله !! نه !!! می دونی که طرف شما حتما مثل خودت یه نقصایی داره ولی تو با تمام نقص هاش دوستش داری و پذیرفتیش به قول معروف : تو را با تمام بدی هایت دوست دارم..... اون موقع حتی نقص هاش رو هم دوست داری چون نقصای معشوقته !! هر چه از دوست رسد نیکوست . می دونی هر کسی یه عیبی داره هر کسی ایراداتی داره هر کسی ضعف هایی داره و عشق یعنی این که سعی کنی تمان عیوب ایرادات و ضعف های هم رو با کمالات و اصلاحات و توانایی های هم بپوشونین و حتی برطرفشون کنین ♥♥ این یعنی عشق..... و اون وقته که می فهمی همین به قول خودت دل بستگی چقدر داره هر روز بیشتر و جاودانه تر میشه و داره تمام وجود و بود و نبودتو به هم پیوند میده ! و اینجاست که میفهمی عشق یعنی چی !

و اون وقت :

اینجاست که در کنار عشق ایثار و گذشت هم پا به عرصه ی زندگی می گذارند

((یعنی از اول هم دل بستگی در کار نبود فقط از روی عادت بود

ماها عادت کردن رو با دل بستگی قاطی میکنیم!!))

آگه نمی دونستی بدون که به عشق هم باید به چشم یک موجود زنده بنگری مثل یک

نهان

اگر برای این نبال عشق وقت صرف نکنی، به پاش آب نریزی، خاکشو تقویت نکنی، توی فصول سرد و گرم توی جای مناسبش نذاری و به طور کلی، بش نرسی... می خشکه

اون وقت دلبستگیون به روزمرگی و عادت تبدیل میشه !! و کسی هم دلبستگی رو با عادت قاطی نکرده بلکه برخی دانسته یا ندونسته به کلی عرضه ی حفظ و زنده نگه داشتن این دلبستگی رو نداشتن و متاسفانه از دست دادنش !!! و جای اونو به عادت سپردن .

پس برای زنده نگه داشتن این عشق و دلبستگی ... به آن رسیدگی کن تا از نهالی ضعیف و به شدت نیازمند حمایت، تبدیل به درختی سترگ و تنومند شود . البته اون موقع هم رسیدگی می خواد ولی

مریم خانوم عزیز...

قانع شدی ؟ انشاءالله...

موفق باشی.

و من الله توفیق .

۱۱ تیر ۹۳ ، ۵:۵۱ اوه مای کامپیوتر

راستی تا یادم نرفته به مطالبی هم در باره ی چگونگی جلوگیری از تبدیل عشق و دلبستگی به عادت بگم :

۱ - عشق و محبت در روابط زناشویی، مرگ طبیعی ندارد ولی از غفلت و رها کردن می میرد. هنگامی که عشق میمیرد، یک یا هر دو شریک در مورد آن کوتاهی کرده و به فکر زنده نگه داشتن آن نبوده اند. عشق هم مانند هر موجود زنده ی دیگری که رشد می کند، برای سالم ماندن نیاز به تلاش و یاد آوری داره . پس باید هر روز به همسرمون عشق بورزیم و به یادش باشیم(حواسمون بشش باشه) .

۲ - مهم ترین عوامل در ایجاد و نگهداری عشق، توجه، محبت و قدردانی می باشد. به کمک این عوامل که اغلب به عنوان فرمول اصلی اکسیر عشق از اونها یاد میشه، می تونیم نیازهای پایه و اساسی زندگی عاشقانه و عاطفی خود و همسرمون رو تامین کنیم.

و قلب و روح همسرمون رو با چنین اعمال و کلمات و واژه های محبت آمیز و عاشقانه سیراب کنیم.

۳ - به همسرمون توجه کنیم، به این معنا که تمام و کمال و با تمامی وجود خود، در کنار او باشیم. فکر نکنیم که واقعا نیازی نیست که همیشه این عشق و علاقه ی خودم رو به همسرم یاد آوری کرده و متذکر بشم چون که همسرمه و خودش اینو میدونه ! نه !!!! اتفاقا همین کار باعث کمتر شدن شور و اشتیاق و هیجاناناط عاطفی و عاشقانه ی شما به هم و تبدیلیش به روزمرگی و عادت میشه !!! بله، این گونه اصول و مقدمات، در شکل گیری و حفظ روابط عاشقانه بسیار حیاتیست .

۴ - از روی اراده و برخاسته از میل و رضایت، به همسر خود عشق بورز، نه از سر اجبار و اصرار . تنها از این روش می توانیم رو برای خود و همسرمون، به تجربه ای رضایت بخش و ماندگار تبدیل کنیم.

۵ - بعد از ازدواج، مدام در خانه و کنار هم ماندن می تونه به مرور شما را از هم دورتر کنه . باید تلاش کرد هر هفته یک تفریح کوچک در کنار هم داشت ؛ از مسافرت های ساده و کم خرج هم نباید گذشت. و همچنین سادگی رو به میمانی هامون بیاریم تا بشه هر چه بیشتر از تنهایی های دونه و کسل کننده، فاصله گرفت .

۶ - همسر خود رو تمجید و تحسین کن و از یاد نبر که چرا عاشقت شدی. تحسین و قدر دانی خود را به زبان بیار و هر چند وقت یه بار، تکرار کن . البته نوع تعریف و تمجید زنان و مردان با هم تفاوت داره . زنان می توانند این کار را با نگاه و مردان با کلمات انجام دهند . در کل به هر نحوی شده نباید از این ابزار علاقه و قدر دانی و تعریف ها غافل بود .

۷ - اصل شکلیایی برای تداوم رابطه ها و استحکام اون ضروریه . برای ایجاد رابطه ای پایدار به چند ماه الی سال، زمان احتیاج است . عشق حقیقی در پلنگی رفتار ما با همسرمون تجلی می یابد . هنگامی که به عشق خود جنبه ی عملی (نه صرفا احساسی) میدهیم، عشقان پایدار می شود . نگهداری عشق موضوعیست که باید هر دو نفر با شکلیایی آن را دنبال کنند .

۸ - دیگران را به سبب کاستی هایشان ببخشید و پذیرید و نکات مثبت آنها را ببینید. همواره به یاد داشته باش که خود ما هم بی کم و کاستی و هیچ عیب و نقصی نیستیم. هرگز همسر خود را تحقیر نکن و در مقابل، همیشه او را به خاطر خوبی ها و تلاش و توانایی هایش، مورد تحسین و تمجید قرار بده .

۹ - شور و شوق و تعهد و پابندی به ازدواجتان را هر روز تمدید و تجدید کنید و آن را قوی تر و مستحکم تر سازید . این امر رابطه ی تان رو از یک دوستی و رابطه ی عادی و روزمره به ارتباطی به ارتباطی کم نظیر و حقیقی تبدیل می کند که یک به یک اعمال و حرکات ما را از معنا و احساس آکنده می کنه .

ولی فکر نکنم تو عشق هوس باشه ها!!!!!!

حالا بماند دیگه هر کی به نظری داره.....

۱۴ تیر ۹۳ ، ۲۰:۴۴ م

آگه همه جوهره راه اومدیو خیانت دیدیم دلیلش چیه؟

۱۴ تیر ۹۳ ، ۲۰:۴۷ m

آگه اینطوره پس چرا وقتی بهشون توجه کامل بشه بازم خیانت میکنن؟

۱۵ تیر ۹۳ ، ۰۷:۵۴ اوه مای کامپیوتر

سلام :

((ولی فکر نکنم تو عشق هوس باشه ها!!!!!!))

توی عشق خیلی چیزا میتونه وجود داشته باشه ، کما اینکه وجود داره !!

عشق به وسعت به دریای بیکرانه به آسمان بی پایانه به دنیای عظیمه !!!

هوس هم به قطره از این دریا به ستاره از این آسمون و به موجود در

این جهان عظیمه.

عشق سرشار از این زیبایی هاست

سرشار از معناست

سرشار از بینهایت هاست

سرشار از

سرشار از عشق باشید .

و من الله توفیق.

۱۵ تیر ۹۳ ، ۰۸:۴۴ اوه مای کامپیوتر

سلام .

به : م و m

((آگه همه جوهره راه اومدیو خیانت دیدیم دلیلش چیه؟))

((آگه اینطوره پس چرا وقتی بهشون توجه کامل بشه بازم خیانت میکنن؟))

این دقیقا همون دلیلیه که من به خاطرش می گفتم : من به کم خیلی بدلم !

چون اینجا دنیاست و انسان هم خطاکار ! به هو میاد و سهوا ۱ + ۱ رو می نویسه ۳

!!!

یا اینکه فهم و شعور محاسبه ی صحیح ۱+۱ رو نداره و جواب اشتباه میده .

یعنی هیچ تضمینی وجود نداره که همه چیز طبق محاسبه پیش بره و هر چقدر هم که

شما درست عمل کنی فقط نیسی از راه رو درست طی کرده اید و نیمه ی دیگر

راه رو همسرتون باید طی کنه تا با هم به به مقصد برسید وگرنه راهتون از هم جدا

میشه و هم دیگه رو گم می کنید . پس بهتره که ما خودمون اول برادریمون رو ثابت

کنیم و خودمون رفیق نیمه راه از آب در نیایم .. اونوقت بقیه اش رو بسپاریم به خدا

و بعد هم به امید همراهی تمام و کمال همسرمون ؛ انشاءالله .

اونجا که من می گفتم : با این که باید به همسرمون اطمینان کنیم ولی کسی لازمه که

حواسمون هم بهش باشه که سهوا خطایی نکنه برای همین بود ... !

تا انشاءالله اونم بدون لغزش بتونه همراه ما بیاد و همدیگه رو از دست ندیم.

پس برای حفظ هم از لغزش ها و از دست دادن ها بکوشیم تا همیشه در

کنار هم باشیم : [♥♥

البته همیشه باید در کنار تلاشمون ، همه چیز رو به دست خدا سپرد و بهش با توکل ،

تکیه کرد و بود و نبودمونو به خودش بسپاریم که بهترین محافظان تنها خداست .

« نگرانان منسی .. به تو قصره دلم .. تو کنانان منسی .. نمیترسه دلم ..

بغلم کن ازم .. همه چیمو بگیر ... بذا گریه کنم ... پیش تووو دل سیبر...

مگه میشه باشیو تنهاااا بونم .. محالاله بذاری .. محاله بتونم..

دلم دیگه دلنگیاش بی شماره ... هنوزم بجز تو کسی رووووو نداره ...

عوض می کنیییی زندگیموووو ... تو یادم دادی عاشقیوووووو ..

تورو توووووووو تبه خاااااطراتم کشیدم ... به زیبایسی توووو کسی رووووو ندیدم...

نگوووو دیگه آب از سر من گذشته... مگه جز تو کسی سرنوشتوووو نوشته

تحمل نداااره نباشی ... دلی که تو تنهااااا خداااااشی ♥ «

آهنگ مرتضی پاشایی بود به نام نگران منی . (خطاب به خدا)

و من الله توفیق.

۰۴ مرداد ۹۳ ، ۲۰:۱۳ حسام

با سلام

درسته رابطه جنسی مهمی واسه همه مردا و شاید خیلی مهم ولی همه چیز هم نیس .

و البته همه مردا هم مث هم نیستن . بعضیا مث من رابطه صمیمی با نامزد رو خیلی

بیشتر دوس دارم تا فقط جنسی ولی نامزد تحت مشاوره به نفر فک میکنه که وقتی

میگم چرا رابطه ات با من سرده، منشا اون جنسی. در صورتی که اخلاقش ولی اون همش تو اون فکره.....

۱۳ شهریور ۹۳ ، ۰۲:۲۳ مرم

پاسخ:

سلام

<http://khabartar.blog.ir/post/1260>

۲۰ شهریور ۹۳ ، ۱۷:۰۴ سارینا

خیلی ممنون من جواب سوالم رو خوب گرفتم با این همه بحث متفرقه، فکر کنم جای این بحثها تو صفحه بحث آزاد باشه آقای نجفی و کاربرای محترم، من برای پیدا کردن جوابم وحل مشکلم میام اینجا اونوقت با این بحث ها برخورد میکنم.

۲۸ شهریور ۹۳ ، ۱۶:۰۳ باران

سلام . موافقم. مرد آگه نیازش رفع نشه سرد میشه. ولی هشتم مسائل جنسی نیستا عشق و علاقه هم وجود داره چون آگه مردا ازدواج رو واسه مسائل جنسی بخان چه فراونه دختر هرکی از راه رسید و انتخاب میکنه و ازدواج میکنه باهاشو نیازشو رفع میکنه پس اول عشق و علاقه به طرف مقابل وجود داره بعد با رابطه ی جنسی این علاقه و وابستگی بیشتر میشه. قلب اول مردا همونیه که توش عشق وجود داره بعد زیر شکم قلب دومه که باعث میشه این علاقه بیشتر شه. نمیدونم منظورمو متوجه شدین یا نه. و اینکه مردام دست خودشون نیست نیاز جنسی چیزیه که خدا براشون قرارداده کنترلشم یخورده سخته

۰۱ مهر ۹۳ ، ۱۹:۱۰ گندم

اصن مردا دارن اون چیزیه که اسمشو بردی؟؟؟؟(قلب) اونوخ حالا داری دنبالش میگردی؟؟؟ بیخی باوووو

آدرس مطلب : <http://khabartar.blog.ir/post/780>

۱۵ شهریور ۹۳ ، ۱۹:۰۵ سارینا

ب نظر من آگ از این نظر به ادما نگاه کنیم همه چیز خیلی کثیف به نظر میاد این به نیازه حتی ما خانمها آگ خوب باشه اونیک میخوایم برا همسرمون هر کاری میکنیم این فقط به نیازه دوطرفس و مشکل اینجاست ک مردها نمیتونن به همه چیز باهم فکر کنن و در کنار هم فقط به خطرو دنبال میکنن ولی خانم ها هم زمان به همه چیز فکر میکنن رابطه جنسی کار خونه بچه ها محبت مالی و... من همک زنم آگ شوهرم خوب رابطه رو برقرار کنه هر کاری براش میکنم فقط به مشکلی هم من خیلی بیشتر به رابطه نیاز دارم و میتونم بگم هر روز ولی همسرم نه حتی هفته ای به بار هم براش زیاده و حتی همون هم نمیتونه منو راضی کنه و بعد اون از هر چیزی فرار میکنه بغل کردن نوازش بوسیدم محبت و نمیدونم بخاطر لجبازی نمیتونه محبت کنه کلمات محبت آمیز به زبون بیاره نوازش کنه یا نمیدونه ک زن نیاز داره من کتاب هم زیاد میخونم و سعی میکنم براش توضیح بدم ولی فقط به مدت کوتاه رعایت میکنه اونم

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای مردم در دنیا و آخرت، هیچ لذتی بالاتر از همبستری با زنان نیست، بعد فرمودند: اهل بهشت به چیزی بیشتر از نکاح، چه از طعام و شراب، لذت نمی برند. (کافی ج ۵ ص ۳۲۰)

تصمیم با شناسست. ولی اگر شوهر با محبت می‌خواهد بهش لذت بدید. آگه می‌خواید عاشقانه شما رو دوست داشته باشه، به قول دین، توی رختخواب بی‌حیا باشید

بعد از رابطه ازش چیزی نخواستید. آگه متوجه شدید که از رفتار جدید شما تعجب کرده، بگید از این به بعد همین! فقط می‌خوام بیشتر از هم لذت ببریم.

پس اون مردانی که همسرشون سال‌هاست مریضه و بی‌چشم داشت جنسی، دارن ازش مراقبت می‌کنن چی؟ قضیه‌ی اون چیه؟

چند نفر از چنین مردانی در اطرافتون سراغ دارید؟ آیا این استثنائات اصل موضوع رو رد می‌کنه؟

به این نکته هم توجه کنید که چنین مردانی توقع جنسی از همسرشون ندارن!!! پس با قضیه کنار میان. ولی خانمی که مشکلی نداره ولی از رابطه‌ی جنسی گرم با همسرش به بهانه‌های مختلف فرار می‌کنه، آیا می‌تونه انتظار داشته باشه که همسرش اونو عاشقانه دوست داشته باشه؟

نظرات دوستان -----

کوش طلا

من اعتقادم بر اینه که رابطه گرم زندگی رو سامون میده

زن و مرد این نیازو داریم ولی مردا بیشتر

من لایک میکنم

لایک عمو نجفی

۰۷ تیر ۹۳، ۱۹:۲۱ حلما بانو

سلام چرا همه انتقاد مردن ب این موضوع این مساله کاملا واقعیت داره آگه نمیدونید سری ب دادگاه خانواده بزیند و ببینید ک دلایل پنهان بیشتر طلاقا عدن رضایت جنسی زوجین از همه کاملا درسته زنی ک تو تخت گرم باشه و ب قول اسلام بی حیا ولی تو جامعه با حیا و شوهر بدون ک زنش فقط برای اونو اینظوری است با اطمینان میگم ک این زن وفاداری شوهرشو تضمین کرده در نزدیکانم نمونه عینیشو زیاد دیدم. من خواننده خاموش وب بودم ولی لازم دیدم نظر بزارم.

۰۷ تیر ۹۳، ۱۹:۲۷

بازخوردهای که در قلب عاطفی مرد کجاست؟ (۱) به دست اومد جالب و تامل برانگیز بود. قصد ندارم از کسانی که موافق بودند تشکر کنم یا از کسانی که مخالف بودند انتقاد کنم. شما حق دارید بپذیرید یا نپذیرید، این به خودتون مربوطه.

زن و مرد مثل هم آفریده نشدن. برخی خصوصیات زنان و مردان ممکنه برای همدیگه قابل درک و باور نباشه. برخی خانم‌ها و آقایون ممکنه باورشون نشه که مردان چنین خصوصیتی دارن.

این ویژگی قابل انتقاد نیست. آگهتونستید از خدا ایراد بگیرید که چرا ما دو چشم داریم، اون وقت می‌تونید از این ویژگی مردان که خدا در وجودشون قرار داده انتقاد کنید. مردان در انتخاب این ویژگی دخالتی نداشتند که به خاطرش لایق بد و بیراه شنیدن باشن.

هر مردی که بخواد بر خلاف طبیعتش رفتار کنه یا افسرده میشه یا این که دیر یا زود به نقطه‌ی جوش میرسه. خانمی که دوست نداره شوهرش بر طبق طبیعتی که داره رفتار کنه دو حالت براش پیش میاد. یا شوهرش سرد و افسرده میشه و به زندگی کارمندی با اون خواهد داشت یا این که تحمل نمی‌کنه و زندگی زناشویی رو به گند میکشه.

چه بخواید چه نخواستید رابطه‌ی جنسی برای مردان در اولویت بالایی داره. تنها چیزی هستش که می‌تونه فشار زندگی رو روی اون کاهش بده.

چرا به پسران مجرد و آماده‌ی ازدواج که توان و امکانات ازدواج کردن ندارن توصیه می‌کنیم که خودشون رو از مسائل جنسی دور نگه دارن تا کمتر فشار جنسی سراغشون بره؟ آیا می‌تونیم همین توصیه رو به مردان متاهل بکنیم؟

خانم‌های محترمه،

آگه نمی‌خواید زود بپوه بشید، دو بار در هفته با شوهرتون رابطه‌ی جنسی گرمی برقرار کنید. اینو جدی بگیرید. آگه بیش از حد رابطه می‌خواد به پزشک مراجعه کنید چون بعضی بیماری‌ها هستند که چنین نشانه‌ای دارن.

چرا فکر می‌کنید آگه مردی به خاطر رابطه‌ی جنسی به زنش نزدیک شد کار بدی کرده؟! مگه رابطه‌ی جنسی در قالب ازدواج این قدر بده که آگه مردی چنین کاری کرد از مسیر انبیاء و ائمه دور شده و میشه زورررر؟! به حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوام نقل کنم که دوستان مخالف شاخ در نیارن شانس آوردن!!!

آقای نجفی هیچ کس گفتمت رابطه جنسی بده. یا برای مردان مهم نیست. این چیزی که الان گفتین خیلی با پست قبلیتون فرق داره.

این که قلب عاطفی مرد تو اونجاش باشه دیگه خیلی افرایه. اینکه یک مرد رابطه جنسی با زنش را خیلی دوست داشته باشه خیلی خوبه ولی اینکه فقط اونو ابزار رابطه جنسی ببینه خیلی خیلی بده!

خب دخترای هرزه هم هستند دیگه. پس چه فرقی داره.

شما منظورتون تو اون پست خیلی بد رسوندین.

شما خودتون خانومتون را فقط برالی همون دو ساعت دوست دارین؟

خانومتون فقط از نظر ویژگی های جنسی جذاب بودن که انتخابشون کردین؟ اخلاقیاتش، ایباتش و ... براتون جذاب و دوست داشتنی نیست؟

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۹:۳۳ SIH

آقای نجفی اعصاب مصاب نداریا!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! هه هه هه

بابا حرف آقای نجفی درسه دیگه چرا تو اون پست هم پسر هم دختر شاکلی بودن؟؟؟
آمار طلاق اینو میگه حرف خدا پیغمبر همینو میگه دیگه

این بحث بحث خیلی خوبیه انشا... ب نتیجه خوبی برسه

ی مرد ممکنه رابطش از قبل گرم شده و با ی چایی گرمتر بشه ی مردم ممکنه اصلا گرم نشده ک بخاد با چایی گرم بشه، اون پست کسای ک میگفتن روابط اخلاقی نه جنسی گرم کننده زندگیه درسه در صورتی ک گرم کننده اولیه صورت گرفته باشه

واقعا چرا اینقدر بحث بود من حرفای آقای نجفی رو خوندم فک کردم همه تایید کنن و نیاز جنسی زن و شوهر رو توهین ندونن یا شهوت یا پایین اومدن ارزش زن و مرد، جالب اینه ک هم پسر میگن شانشون اومده پایین هم دخترا

۰۷ تیر ۹۳ ، ۱۹:۳۹ عشق ، عشق گمشدش

سلام آقای نجفی و بچه ها

راستش من توی اون صفحه قبلی اودم نظر بدم دیدم دوستان همه حرفای مثبت زدن رو زدن... اما..

اما چندتا نکتن امیدوارم براتون قابل استفاده باشه:

کدوم یکی از خانومای اینجا میتونه میل جنسیش رو انکار کنه؟! مجرد یا متأهل فرق نداره!

کدوم میتونید قصد ازدواج آقایون رو بخاطر این موضوع انکار کنه!؟

قدیما به هم کلاسی داشتیم که گفته بود من آگه به روزی بخوام ازدواج کنم اولین شرطم اینه که هیچ وقت از من رابطه جنسی نخواستن!! این حرف وقتی به گوش من رسید، گفتم بش بگید بشین تا خواستگارا پاشنه در خونتون رو دربیارن ، با این شرط...!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

من همیشه میگم آگه به رابطه جنسی با رعایت کامل همه مراحل ریز به ریز اتفاق بیفته ، لذتش برای خانوما مساوی که هست هیچ، شاید، شاید در بعضی موارد بیشتر از آقا هم باشه!!!! چون برا خانوم ارضا شدن گوشاش هم مهم ، درسته آقایون هم لذت شنیدن رو دارن ولی اصل ارضا شدن برایشون چیز دیگس!!!

در کل میخوام اینو عرض کنم که ما خانوما به نسبت حیا ، و آن حس نیاز به توجه و دیده شدن که بلااستثناء همه داریم ، و شپوتی که گفته شده آگه ده قسم باشه ، ۹ قسمش برای خانوماست ولی همون حیاست که اجازه. فوران شدن رو مثل آقایون نمیده ، باید خوشحال باشیم و خداروشکر کنیم که آقایون گرایششون و قصدشون رو از ازدواج پنهان نیکنند و تابانشون رو البته بعد ازدواج نشون میدن و گرنه به نظر من ما خانوما میتونیم ، واقعا...

لطفا اون خانومایی که دوران عقد رو سپری کردن منو یاری بدن:

آیا یادتون میاد اوایل عقد که خجالت میکشیدین هنوز از هم موقعی که تنها میشدین به حس کشش (از نوع جنسی، مطمئنا) همراه با ترس اینکه میادا همون اول بره سر اصل مطلب میومد سراغتون؟!؟

یادتونه وقتی اولین بوسه رو میگرفتین و خیالتون راحت میشد که قصدش فعلا اصل مطلب نیست عطش میگرفتین برای بوسه های بعدی؟!؟

همینطور یادتون میاد بعد از اولین لمس هم همین حس عطش و تشنگی شدیدو شدید تر میشد؟!؟

حالا میخوام یاد آوری کنید که بعد این ایجاد این حساشا چکار میکردین؟! آیا حیا پیشه میکردین و ابراز عطش نمیکردین بخاطر حیای اول عقد؟! یا اینکه در کمال... عطش رو ابراز و به خواستتون که رفع عطش بود میرسیدین؟!؟

آگه راه اول که باید بگم حلاست که به وجود قلب عاطفی آقایون پی میرید...

و اگر راه دوم که نیگم راه بدیه ولی باید گفت شام قلب عاطفیت همونجاست!!!!!!!!!!!!

این بد نیست که قلب عاطفی آقایون آلتشون باشه!!! این بده که بعضا خانوما از همون قلب خیلی زیرکانه و ماهرانه استفاده کرده ، هم برای ارضا شدن و هم پیشبرد بقیه کاراشون ، و بعد همچین موضع میگین و آه آه ، پیف پیف میکنند ، که آدم دلش میخواد ... کنه!!!!!!!!!!!!(شکلک ... شده لدفن!!!!)

آقای نجفی میشه در کنار آموزش شوهرداری ، شوهریابی رو هم آموزش بدید؟

فکر می کنم شوهر یابی واقعا از شوهرداری سخت تره.

البته درخواستم کاملا جدیه...

ضمناً قابل توجه همه آقایون و خانم های مخالف در روایات از کثرت روابط جنسی به عنوان یکی از خصال انبیاء(ع) اسم برده شده است. پس نتیجه میگیریم کثرت رابطه جنسی چیز خوبییه که خصال همه انبیاء(ع) هست.

البته بازم میگم: به هر حال حرف خانم ها تا حدودی قابل پذیرش است چون بالاخره مرد نیستند و از درون مردان و سلاطین آنها و خواست های آنها آگاه نیستند. اما برخی مردان که شبیه حرف خانم ها را می زند واقعاً برای من غیر قابل باور و مضحک است.

با سلام.

در باره ی این که قلب عاطفی کجاست ، دوباره عرض می کنم : عاطفه شهوانی نیست !

عاطفه ی شما به بچه ات شهوانیست ؟ خب معلومه که نه !

عشق و عاطفه در سراسر وجود و جسم و روح و ذهن ماست. نه فقط اونجا.

مرد هم عشق را به خوبی یک زن درک می کند . و فقط برخی از مردان ، شهوانی محض به آن می نگرند.

((امام صادق علیه السلام فرمودند : برای مردم در دنیا و آخرت ، هیچ لذتی بالاتر از همبستری با زنان نیست ، بعد فرمودند : اهل بهشت به چیزی بیشتر از نکاح ، چه از طعام و شراب ، لذت نمی برند . (کافی ج ۵ ص ۳۲۰)) :

بنده ی بی عیب خداست ! امام صادق عزیز (ع) هم اینجا یک نکته را فراموش کرده اند که من از طرف ایشان به شما خاطرنشان می شوم :

برای اهل بهشت ، بعد از لذت دیدار با خداوند جلّ جلاله (لقاء الله) ، هیچ چیز به لذت بخشی معاشقه و همبستری با همسرش ، نیست.

با سایر عرایض جنابعالی موافقم.

موفق باشید.

و من الله توفیق.

سلام

منم با قلب عاطفی مردان کاملا موافقم.

جالبه من و شوهرم خیلی وقته این قسمت رو قلب میدونیم

مسئله خلقت زن و مرد متفاوت و کسی منکر این تفاوت نیست و زندگی زناشویی و مشترک هم یعنی درک همین تفاوتها و کسی هم نمیتونه بابت خلقت خدا به خدا ایراد بگیره چون خیلی دقیق همه اینا در کنار هم چیده شده(قتبارک الله احسن الخالقین) با این جملتون که نوشتین برای مردا رابطه جنسی از الویت بالایی برخورداره موافقم ولی همه چیز نیست (البته استثنا هم وجود داره)دیدگاه شما رو تو این پست تایید میکنم ولی پست قبلی که نوشتین و قلب مرد نسبت دادین به...مخالفم و حتما این نظر منو خیلی از مردا هم تایید کنن همونطور که تو پست قبلیم که آقایون نظر دادند بعضیاشون مخالف بودن که قلب که جایگاه عشق و مهر و عاطفست نباید با شهوت قاطی شه و قلب و ...با هم یکی کرد

آقای نجفی حرفتون کاملاً درسته و بیانتون غلط!

رابطه جنسی بخش مهمی از زندگیه بخش واقعاً مهمیه، اما قلب مرد همون قلبشه. یه مشکلی چند وقت پیش برای سلامتی من به وجود اومده بود که خدا رو شکر رفع شد. یه شب که همسرم فکر میکرد خوابم برده تا صبح بالا سرم اشک ریخت! اون چیزی که اون شب می تپید، خود خود قلبش بود. شاید اگر رابطه ی گرمی نداشتیم نمی تپید، اما دیگه وقتی می تپه از سر احساسه نه شهوت.

اگرچه نیاز جنسی بسیار مقدسه، در این حد بگم که احساس نیاز همسرم به من غرور میده، به من زنانگی میده، اگر نبود به خدا شکایت میکردم، اما مردان هم احساسات پیچیده ای دارند و اگر کاربرتون مخصوصاً به این پست خرده گرفتند شاید دلیلش همین مسئله ست.

آیا اگر مردی که ز نباشه وخواستگاریتون بیاد زنش میشه!!

خطاب به اوه مای کامپیوتر:

حاضرید قلب عاطفیتون را بیکار بذارید?!!

شما آگاهانه یا ناآگاهانه عصمت امام(ع) را زیر سوال بریدید چون دارید به ایشان
تهمت این را میزنید که مطلبی را ناقص بیان کردید.

این سوال به ظاهر مسخره برای ثابت کردن غلط بودن ادعای این پسته.

قابل توجه شما عصمت ضروری مذهب تشیع است و شما با این حرفتان اگر واقعاً
اعتقاد قلبیتان باشد احتمالاً از دایره تشیع بیرون بروید.

چرا از پاسخ به سوالات عاطفی مربوط به فرزند که پرسیده شده خود داری میکنی؟

۰۸ تیر ۹۳ ، ۰۸:۴۵ امیر محمد

پست مربوط به "زیبایی ظاهری چنین قدرتی داره" پوچه؟

سلام علیکم

آیا مردی را که ۱۳ سال بیماری همسرش را تحمل کرده وبا اینکه میدونسته خوب
نمیشه ودر این مدت فقط پرستارش بوده وهیچ رابطه جنسی نتونسته داشته باشه
ندیدی؟

سر صبحی چه چیزا که نخوندم!! اما به شخصه میگم که قلبم تو سینه نه تو شورت!!
درسته که رابطه جنسی خیلی مهسه و جزء ارکان تشکیل خانواده ولی بنظم بعضی از
دوستان در مقام تعریف و تمجید از آن دارن غلو میکنند و در حق ادای مطلب
اجهاف میکنن...

مردی را که پس از فوت همسرش ۱۵ سال صبر کرد تا ۳ تا فرزندش برن سر خونه
وزندگیشون وبعد برای اینکه تنها نباشه ازدواج مجدد کرده را ندیدی؟

آخه خواهر من و برادر من زندگی که همش با عرض معذرت س.ک.س نیست!!
زندگی رو دو اصل بنیادی میچرخه: ۱-محبت ۲-رابطه جنسی

راستی آیات الهی مگر برقلب پیامبر نازل نمی شده؟ نعوذ بالله آیا.....

لابد میگی حساب اوناجداست!!!نخیر جدا نیست.چون"انا بشر مثلكم یوحا"

که این دو هیچوقت از یکدیگر جدا نمیشوند و رابطه ناگسستنی دارن بطوری که آگه تو
زندگی مشترک « محبت » باشه ولی «رابطه جنسی» نباشه زود مرد اون خونه سرد
میشه و کم کم منجر به طلاق میشه!!!! و بالعکس وقتی که شما « رابطه جنسی » خوبی
داشته باشی ولی « محبت » چاشنی اون نباشه مفت نی ارزه و به مراتب مرد رو
زودتر خاموش میکنه...

کسانی که تجاوز میکنن ایا از روی عاطفشونه?!!

آیا با این تبلیغ می خواهی به دختران بگی "قلب عاطفی" دوست پستون را
بدست بیاری!!

پس خواهشا هم محبت و هم رابطه جنسی مد نظر حضرات عالیه و سروران گرامی
اینجا باشه...

تا زود تر نتیجه بگیرید وچه کنم چه کنم بیافتید?!!!!

چرا با این حرفهای صدمن یه غاز دخترها را اغفال می کنید?!!!

اینجاست که باید گفت:

*** باز میگم قلبم تو سینه نه تو شورت ... خخخخ

مردی که قلب عاطفیش در زینگیش خلاصه شده فقط یک زهرست.

۰۸ تیر ۹۳ ، ۱۰:۵۴ دریا

اینکه گفته بشه قلب عاطفی مردا تو سینشون نیست و یه جای دیگه است

به نظر من توهین به مردهاست!

اگر بهت بر میخوره که تایید کنی بعدا سر فرصت آگه مشغله هام بزازه در وب خودم
می نویسم .

حداقل همسر من حتی آگه ارتباط جنسی هم نداشته باشیم صبح تا شب

قربون صدقه ام میره و هی میگه که دوسم داره

پاسخ:

پس قلب عاطفیش تو سینه نه جای دیگه

سلام

شما بهتره برید به خورده تو مبنای اعتقادی شیعه کار کنید تا بدونید عصمت یعنی چی و چه مراتب و مرزهایی داره.

وقتی ایشان در همچین مطلب مهمی سهواً مطلبی را فراموش کرده باشند این یعنی ایشان معصوم نیستند.

برادر من ما در شیعه قائل به این هستیم که انه(ع) نه تنها از گناهان معصوم هستند بلکه از مکروهات نیز معصوم هستند و بلکه سهو نیز از آنان رخ نمی دهد. این مبنای اعتقادی شیعه است.

اما بله میشود کسی نه یکبار بلکه ۱۰۰۰ بار نیز زنا کند اما همچنان شیعه باشد؛ اما با داشتن یک اعتقاد غلط از دایره تشیع بیرون برود.

شما بهتره برید به خورده در مورد ضروری مذهب و ... تحقیق کنید که چه چیزی ضروری مذهب است و چه چیزی نیست و با چه وسیله ای فرد از دایره تشیع یا اسلام بیرون می رود و با چه وسیله بیرون نمی رود.

اما اصلاح گفته های یک شخص عادی مانند من حقیر یا حتی علما بله هیچ اشکالی ندارد و خیلی هم خوب است.

اما اگر کسی ادعای اصلاح فرمایش معصوم(ع) را داشته باشد یعنی اینکه من بیشتر از معصوم(ع) می فهمم. یعنی معصوم(ع) نفهیدم و من فهیدم. و این به لحاظ اعتقادی خیلی خیلی بد است.

اما تعصب بیجا بله. اما تعصبی که از روی دلیل و منطق باشد نه تنها بد نیست بلکه خیلی هم خوب است.

۰۹ تیر ۹۳ ، ۰۱:۴۲ اوه مای کامپیوتر

با سلام مجدد.

به برادر محمد علوی :

((وقتی ایشان در همچین مطلب مهمی سهواً مطلبی را فراموش کرده باشند این یعنی ایشان معصوم نیستند.))

در اصل معصوم یعنی بی گناه ! و فراموشی گناه نیست که باعث از دست رفتن معصومیت شود !

انسان یعنی فراموش کار ! امام (ع) هم به مانند ما انسان هستند.

((برادر من ما در شیعه قائل به این هستیم که انه(ع) نه تنها از گناهان معصوم هستند بلکه از مکروهات نیز معصوم هستند و بلکه سهو نیز از آنان رخ نمی دهد.))

آیا خود انه این را بیان کرده اند ؟ نشانی بدهید . من حرف واسطین را نمی پذیرم . مکتوب از خود معصومین نشانی دهید. هیچ معصومی چنین نفرموده اند .

به علت تعصب بیش از حد ، مجاز به ساختن بت های انسانی نیستیم !!

هیچ موجود بی عیب و نقصی وجود ندارد. بی عیب تنها خداست !!!

اگر جز پروردگار یکتا چنان ذات بی عیب دیگری هم وجود داشت ، می توانست ادعای خدایی کند.

((اما بله میشود کسی نه یکبار بلکه ۱۰۰۰ بار نیز زنا کند اما همچنان شیعه باشد؛ اما با داشتن یک اعتقاد غلط از دایره تشیع بیرون برود.))

محض اطلاع شما : اگر شخصی برای بار چهارم زنا کند ، محکوم به اجرای حکم سنگسار است (یعنی بار چهارم بخششی در کار نیست و حکم صادره اعدام است) این شخص از دایره ی تشیع که هیچ ، از دین مبین اسلام هم اخراج گشته .

((اما با داشتن یک اعتقاد غلط از دایره تشیع بیرون برود.))

چه کوچک است این دایره

((تحقیق کنید که چه چیزی ضروری مذهب است و چه چیزی نیست و با چه وسیله ای فرد از دایره تشیع یا اسلام بیرون می رود و با چه وسیله بیرون نمی رود.))

تحقیق می کنم که چه چیزی ضروری دین است. نه مذهب.

دایره ی اسلام و تشیع ، یکسان نیست . اسلام حلقه ای بسیار وسیعتر از مذهب شیعه دارد. اهل تسنن هم مسلمان به شمار می روند و شاید از بسیاری از ما شیعیان هم مومن تر باشند. هر چند که من هم شیعه هستم و به تشیع افتخار می کنم ، اما حقایقی هست که انکارناپذیرند.

((اما اگر کسی ادعای اصلاح فرمایش معصوم(ع) را داشته باشد یعنی اینکه من بیشتر از معصوم(ع) می فهمم. یعنی معصوم(ع) نفهیدم و من فهیدم. و این به لحاظ اعتقادی خیلی خیلی بد است.))

خیر . اگر چنین بود ، در واقع این به آن منزله است که من چقدر نمی فهمم . و نادانی خود را با تلاش برای اثبات برتری خود بر فهم دیگری ، اثبات کرده ام . که البته نیت من هم چنین نبوده .

و اصلاح همواره لازم است چرا که بی عیب در هر امری ... تنها ... خداست
والسلام

موفق باشید.

مطلب را ناقص متوجه شده اید.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام مجدد به برادر عزیز و گرامی محمد علوی .

((اگر شما اندکی به روایات رجوع بفرمائید در باب علم انه(ع) و خصوصیات انه(ع) قضیه برای شما حل است. انه(ع) ای که عالم به ما کان و ما یکون و ما هو کان هستند. انه(ع) که طبق روایات سهو نمی کنند))

شما باز هم حرف از روایت به میان آوردید .

عرض کردم که هیچ یک از انه چنین نفرموده و اگر چنین فرموده اند ، مکتوب از خود معصومین نشانی دهید . راویان را به کنار بگذار . این گونه درمی یابی که تمامی براهین جنابتان تنها از روی روایات است نه اسناد مکتوب موجود از خود انه .

و من گفته ی راویان را به عنوان سند نمی پذیرم.

((فرد طبق فتوای ققبا با انجام معاصی ولو معصیت کبیره ای مانند زنا و ۱۰۰۰ بار زنا کرده فرد از دایره اسلام خارج نمی شود.))

ققبا ؟ از هیچ به اصطلاح ققیبه پیروی نمی کنم. که هر نفسی خطاکار است.

مرجع این جانب کلام الله و رسول الله است.

و همچنین پند ها و اندرزهای انه بزرگوار هم چراغ راهم.

((خروج از دایره اسلام با ارتداد و کافر شدن طرف است نه با ارتکاب معاصی کبیره.))

کسی که کوچکترین احترامی برای امرها و نهی های دینش قائل نیست ، در واقع همان مرتد می باشد. که عینا مرتکب اعمالی می شود که یک کافر شده. تفاوتی این دو با یکدیگر ندارند.

((پس میشود فردی ۱۰۰۰ بار زنا و حتی العیاذبالله لواط هم کرده باشد اما همچنین مسلم باشد اما با داشتن یک اعتقاد غلط یا با انکار یکی از ضروریات دین فرد از دایره اسلام خارج شود و مرتد شود.)) و ((به چه دلیل میفرمائید فرد از دایره اسلام خارج میشود؟))

نمی شود !

چنین شخصی از اصحاب جهنم خواهد بود . نه از مومنین بالله !!!

کدام دینداری به جهنم میرود ؟

لذا از دین خدا هم خارج است.

دقیق مطلب اینطور است که اگر کسی مرتکب حرام حدی(مانند زنا، سرقت، قذف و ...) شود و حد بر او جاری شود و سپس مرتکب همان حرام شوم و مجدداً حد بر او جاری شود و سپس مرتکب همان حرام شوم و مجدداً حد بر او جاری شود در بار چهارم مجازات او اعدام است.

اما اگر مرتکب حرام حدی شد اما حدی بر او جاری نشد دوباره مرتکب شد و حدی بر او جاری نشد و حتی این امر تا ۱۰۰۰ بار هم اتفاق افتاد و حد بر او جاری نشد؛ خب جاری نشده است. اما اگر اثبات شد برای تمام آن ۱۰۰۰ بار تنها یک بار حد بر او جاری می شود. یعنی فرضاً اگر کسی ۱۰۰۰ بار شرب خمر کرده باشد و سپس اثبات شود تنها یک بار حد که ۸۰ ضربه شلاق است بر او جاری خواهد شد.

ایضاً این امر است در حیظه زنا.

اما برخی حدود همان بار اول طرف اعدام می شود. مانند لواط که حدش اعدام است به یکی از چند طریق(مانند دست و پا بسته از کوه یا بلندی پرت کردن یا در آتش انداختن یا سقف را روی فرد خراب کردن) یا زنا ی محصنه که حدش رجم است که عموماً رجم به مرگ می انجامد مگر اینکه فرد بتواند حین رجم فرار کند بشرطی که رجش با اقرار ثابت شده باشد.

اما در فرض همان ۳ بار حد جاری شدن که در بار چهارم اعدام است؛ خب بله در بار چهارم طرف اعدام می شود. اما به چه دلیل میفرمائید فرد از دایره اسلام خارج میشود؟

فرد طبق فتوای ققبا با انجام معاصی ولو معصیت کبیره ای مانند زنا و ۱۰۰۰ بار زنا کرده فرد از دایره اسلام خارج نمی شود. خروج از دایره اسلام با ارتداد و کافر شدن طرف است نه با ارتکاب معاصی کبیره.

پس میشود فردی ۱۰۰۰ بار زنا و حتی العیاذبالله لواط هم کرده باشد اما همچنین مسلم باشد اما با داشتن یک اعتقاد غلط یا با انکار یکی از ضروریات دین فرد از دایره اسلام خارج شود و مرتد شود.

اما اینکه این دایره کوچک است یا بزرگ به هر حال حکم ققیبه این است.

در باب اصلاح حرف معصوم(ع) نیز از آنجائیکه معصوم(ع) حجت خداست و خدا ما را به اطاعت مطلق از او فرمان داده است(طبق آیه ۵۹ سوره نساء و سایر ادله در این زمینه) اصلاح حرف معصوم(ع) به نوعی می شود اصلاح حرف خدا. یعنی العیاذبالله خدا هم نفیید که فردی را حجت خودش بر ما قرار داد و به ما دستور اطاعت مطلق از شخصی داد که حرفی میزند که احتیاج به تکمیل و اصلاح دارد.

((حجت یعنی هر چی گفت کلام دینه و ما موظفیم بش عمل کنیم و به اون مطلب اخذ بکنیم.))

کلام دین تنها کلام الله و رسول الله است. و اطاعت از آن واجب. ولاغیر.

قسمتی رو که مستقیماً از رو ورد کپی پیست کردی ، قابل خواندن نبود.

محمد جان عزیز ، مطالبی که عرض شد، صرفاً به لحاظ به اشتراک گذاشتن نظریات و اعتقادات و اصلاح سویات طرفین عرضه گشت . از هم صحبتی با شما خرسندم. موفق باشید.

و من الله التوفیق.

۱۰ تیر ۹۳ ، ۵۹:۲۳ محمد علوی

به اوه مای کامپیوتر:

سلام علیکم

« شما باز هم حرف از روایت به میان آوردید .

عرض کردم که هیچ یک از انه چنین نفرموده و اگر چنین فرموده اند ، مکتوب از خود معصومین نشانی دهید . روایان را به کنار بگذار . این گونه درمی یابی که تمامی براهین جنابان تنها از روی روایات است نه اسناد مکتوب موجود از خود انه.

و من گفته ی روایان را به عنوان سند نمی پذیرم.»

خب عزیز دل برادر اگر کلاً برای شما روایات هیچ جیتی ندارد؛ اصولاً دین اسلام را کنار بگذارید. اصلاً از کجا معلوم رسول الله (ص) وجود داشته؟! شما که خودش ایشان را ندیده اید. از کجا میدانید اصلاً ایشان وجود داشته اند؟! آیا جز این است که از طریق همین کتب حدیثی و تاریخی و روایات به وجود ایشان پی برده اید؟! از کجا معلوم جعفر بن محمدی وجود داشته است؟! شما که ایشان را ندیده اید. از کجا معلوم الان در ماه مبارک باید روزه بگیریم؟! آیا مکتوبی از خود معصومین (ع) دارید؟! آیا جز این است که روزه ماه مبارک را از طریق همین روایات و احادیث فهمیده اید؟!

اما منظور شما از مکتوب از خود انه (ع) چیست؟! حدیثی که بنده برایتان آوردم سخن خود معصوم (ع) بود که از طریق سلسله رواه و سلسله سند از طریق کتب حدیثی به دست ما رسیده است.

یکبار دیگر به حدیث دقت بفرمائید: «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع سَأَلْتَهُ عَنْ عِلْمِ الْإِمَامِ بِمَا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ هُوَ فِي بَيْتِهِ مَرَّخٌ عَلَيْهِ سِتْرَةٌ فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِلنَّبِيِّ ص حَسَنَةَ أَرْوَاحِ رُوحِ الْحَيَاةِ فِيهِ دَبٌّ وَ دَرَجٌ وَ رُوحُ الْقُوَّةِ فِيهِ نَبْضٌ وَ جَاهِدٌ وَ رُوحُ الشُّبُهَةِ فِيهِ أَكْلٌ وَ شَرِبٌ وَ آتَى النِّسَاءَ مِنْ

((اما اینکه این دایره کوچک است یا بزرگ به هر حال حکم قهقی این است.))

وقتی من به شما میگم قهقا هم مرتکب خطا می شوند ، لذا پیروی از خطا کار اشتباه است.

چه برسد به حکم قهقیان.

تنها در صورتی که شخص ، نبی یا وصی نبی باشد ، پیروی از او و حکمش واجب است.

((در باب اصلاح حرف معصوم (ع) نیز از آنجائیکه معصوم (ع) حجت خداست و خدا ما را به اطاعت مطلق از او فرمان داده است (طبق آیه ۵۹ سوره نساء و سایر ادله در این زمینه) اصلاح حرف معصوم (ع) به نوعی می شود اصلاح حرف خدا. یعنی العیاذبالله خدا هم نفهمید که فردی را حجت خودش بر ما قرار داد و به ما دستور اطاعت مطلق از شخصی داد که حرفی میزند که احتیاج به تکمیل و اصلاح دارد.))

حرف معصوم هرگز حرف خدا نیست !! بلکه کلام و گفته ی شخصیت که از مقام انسانی و تنها به علت صدور حکم الهی مجاز به اعلام برخی از براهین گشته. کلام خدا بسیار سنگین تر از آن است که بندگان توانند فهم آن را داشته باشند. چنان که اگر بر کوه نازل می گشت ، آن کوه تکه تکه می شد. و قرآن کریم هم برای فهم بشر به گونه ای خاص و با اعجاز و حکمت خداوند این چنین تا حدی قابل فهم و حزم گشته.

در ضمن در باره ی فرمایشات الهی در آیه ۵۹ نساء :

((ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرماندارانش را را اطاعت کنید و چون در امری کارتان به گفتگو و نزاع کشد ، به حکم خدا و رسول بازگردید !!! اگر بر خدا و روز واپسین ایمان دارید. این کار برای شما از هر چه تصور کنید بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود.))

یعنی : که اگر حکم اولی الامر ایجاد شک و ریب و نزاع نمود ، به کلام خدا و پیامبر رجوع کنید ! و این غیر مستقیم به معنای امکان مشاهده و بروز سهو در اولی الامر می باشد.

و این مورد باز هم آیه ایست از آیات بحر نورانی پروردگار یکتا که بیانگر حکمت و بصیرت بینهایت پروردگار است که این چنین بی عیب و نقص در هر امری حساب و کتاب کرده است .

((کی گفته انسان یعنی فراموش کار؟!))

کلمه انسان برگرفته از ریشه ی لغوی (نسی) به معنای فراموش کار می باشد .

الْعَلَّالِ وَرُوحِ الْإِيمَانِ فِيهِ أَمْرٌ وَعَدْلٌ وَرُوحِ الْقُدْسِ فِيهِ حِلُّ النَّبُوءَةِ فَإِذَا قَبِضَ النَّبِيُّ
صَ انْتَقَلَ رُوحُ الْقُدْسِ فَصَارَ فِي الْإِمَامِ وَرُوحُ الْقُدْسِ لَا يَنَامُ وَلَا يَغْفُلُ وَلَا يَلْبَسُ وَلَا
يَسْبُو وَ الْأَرْبَعَةُ الْأَرْوَاحُ تَمَامٌ وَ تَلْبَسُ وَ تَغْفُلُ وَ تَسْبُو وَ رُوحُ الْقُدْسِ ثَابِتٌ يَرَى بِمَا فِي
شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا قَلَّتْ جِعَلَتْ فِدَاكَ يَتَنَاوَلُ الْإِمَامُ مَا يَبْغِدَادُ بِيَدِهِ
قَالَ نَعَمْ وَ مَا دُونَ الْعَرْشِ»

در اینجا خود امام صادق (ع) میفرماید که معصوم سبوی نمی کند.

«قبها؟ از هیچ به اصطلاح فقیهی پیروی نمی کنم. که هر نفسی خطاکار است.

مرجع این جانب کلام الله و رسول الله است.

و همچنین پندها و اندرزهای انبیا بزرگوار هم چراغ راهم»

یک سوال: آیا شما قبول دارید که استخراج احکام از روایات تخصص میخواید یا خیر؟ اگر قبول ندارید بفرمائید تا چند سوال از شما بپرسم.

اما اگر قبول دارید آیا شما خودتان این تخصص را دارید؟

اگر تخصص ندارید به حکم عقل و شرع باید از کسی تقلید کنید که این تخصص را دارد که فقهاء و مجتهدین هستند.

اما بله هر نفسی خطاکار هست حتی فقهاء و مجتهدین. اما اگر فقیه در روند استنباط احکام نهایت تلاش و بررسی را کرده باشد معذور است هر چند به حکم خطا برسد و حتی طبق فقه شیعه مأجور هم هست یعنی ثواب میبرد. قابل توجه شما امامیه بر خلاف اهل تسنن که مصوبه هستند؛ امامیه مخطنه است و قاعده ای دارد بدین مضمون که «للمصیب أجران و للمخطیء أجر واحد» یعنی برای کسی که به حکم درست برسد دو اجر و ثواب است و برای کسی که خطا کند یک اجر. البته به شرطی که با روش درست و صحیح نهایت تلاشش را کرده باشد.

این از بحث فقیه.

اما شمای مقلد نیز اگر مرجع تقلید خویش را به درستی انتخاب کرده باشید شما نیز معذورید و مأجور نیز هستید هر چند حکم مرجعتان غلط باشد.

اما یک سوال: از کجا میدانید رسول الله (ص) و انبیا (ع) خطاکار نیستند؟! آیا امامی که در بیان یک مطلب مهم (همین حدیثی که بخاطرش بین بنده و شما اینهمه بحث شکل گرفت) سبوی می کند شایسته این است که بیاناتش چراغ راه باشد؟!؟؟

«کسی که کوچکترین احترامی برای امرها و نهیهای دینش قائل نیست، در واقع همان مرتد می باشد. که عیناً مرتکب اعمالی می شود که یک کافر شده. تفاوتی این دو با یکدیگر ندارند.»

تعریف شما از مرتد چیست؟ چون به نظر میرسد تعریف شما از مرتد با تعریف شرع انور از مرتد متفاوت باشد.

«می شود! چنین شخصی از اصحاب جهنم خواهد بود. نه از مومنین بالله!!! کدام دینداری به جهنم میرود؟ لذا از دین خدا هم خارج است.»

اولاً از کجا میدانید قطعاً از اصحاب جهنم خواهد بود؟ چه بسا توبه کند. یا چه بسا خدا او را ببخشد. تنها گناهی که بخشوده نمی شود شرک است. وگرنه باقی گناهان حتی معاصی و ذنوب کبیره مانند زنا و لواط نیز امکان بخشیده شدن را دارد.

ثانیاً فرض بفرمائید از اصحاب جهنم باشد. خب نمی شود کسی مسلمان باشد؛ اما از اصحاب جهنم نیز باشد؟! یعنی همگی اصحاب جهنم از کفار هستند؟! هیچ مسلمانی جهنمی نیست؟!؟

عزیز دل برادر خروج از دین و ارتداد و کفر ثمرات فقیهی دارد. مسلمانی که کافر شود یا مرتد شود؛ نجس است. همسرش خود بخود و بدون طلاق از او جدا می شود. اموالش در زمان حیاتش باید به ارث برسد و به ورثه طبق قوانین شرع تقسیم شود. طبق شرایطی باید اعدام شود. حال از نظر شما کسی که زنا کرده دیگر نجس است؟ یا همسرش خود بخود از او جدا است؟ یا اموالش باید به ارث برسد؟ یا باید اعدام شود؟

آیا واقعاً از نظر شما زانی از اسلام خارج است و این ثمرات فقیهی را بر زانی مترتب میدانید؟!؟؟

«وقتی من به شما میگم فقها هم مرتکب خطا می شوند، لذا پیروی از خطاکار اشتباه است.

چه برسد به حکم فقیهان.

تنها در صورتی که شخص، نبی یا وصی نبی باشد، پیروی از او و حکمش واجب است.»

اولاً عزیز دل برادر همان اوصیای نبی (ص) به ما دستور تقلید از فقهاء را داده اند. ثانیاً پزشک نیز خطاکار هست پس چرا شما از نسخه اش پیروی می کنید؟ مهندس ساختمان و معمار نیز خطاکار هست پس چرا در هنگام ساختن بنائی از گفته اش پیروی می کنید؟ و دهها و صدها مثال دیگر. ثالثاً باز هم میگویم اگر شما تخصص ندارید به حکم عقل و شرع تقلید از فقهاء واجب است.

«حرف معصوم هرگز حرف خدا نیست!! بلکه کلام و گفته ی شخصیت که از مقام انسانی و تنها به علت صدور حکم الهی مجاز به اعلام برخی از براهین گشته. کلام خدا بسیار سنگین تر از آن است که بندگان توانند فهم آن را داشته باشند. چنان که اگر بر کوه نازل می گشت، آن کوه تکه تکه می شد. و قرآن کریم هم برای فهم

بشر به گونه ای خاص و با اعجاز و حکمت خداوند این چنین تا حدی قابل فهم و حزم گشته.»

اصولاً معصوم(ع) حرفی از خود ندارد. هر چه هست حرف خداست که از زبان معصوم(ع) جاری میشود. ظاهراً یادتان رفته که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ». معصوم(ع) لسان الله است.

«یعنی: که اگر حکم اولی الامر ایجاد شک و ریب و نزاع نمود، به کلام خدا و پیامبر رجوع کنید! و این غیر مستقیم به معنای امکان مشاهده و بروز سهو در اولی الامر می باشد.»

خیر شما منظور آیه را بد متوجه شده اید. اتفاقاً یکی از دلایل عصمت امام(ع) در کلام شیعه همین آیه است. خدا در این آیه ما را به اطاعت مطلق از اولی الامر بدون هیچ قید و شرطی فرا میخواند. پس باید این اولی الامر معصوم باشد. وگرنه اطاعت مطلق از غیر معصوم قبیح است. حتی فخر رازی بزرگ مفسر اهل تسنن نیز از آیه عصمت اولی الامر را استنباط کرده. اما در مصداق اولی الامر به خطا رفته است.

منظور این آیه است که ممکن است در مصداق اولی الامر نیز اختلاف پیش آید که چه افرادی اولی الامر هستند که این اختلاف واقعاً پیش آمد. خب در اینصورت باید به رسول الله(ص) رجوع کنیم تا شخص ایشان برای ما مصداق اولی الامر را مشخص کنند و رسول الله(ص) نیز مشخص کرده اند.

«کلام دین تنها کلام الله و رسول الله است. و اطاعت از آن واجب. ولاغیر.»

این نظر اهل تسنن است که دین فقط کلام الله و کلام رسول الله(ص) است. اما امامیه علاوه بر این دو کلام عترت و اهل البیت(علیهم افضل الصلوة و السلام) را نیز کلام دین و حجت و عمل به آن را لازم میدانند. همچنین علاوه بر اطاعت از خدا و رسول الله(ص) اطاعت از ائمه(ع) نیز واجب است. اصلاً خود خدا و رسول الله(ص) به ما دستور اطاعت از ائمه(ع) را داده اند.

در باب روایت باز هم من در ابتدای کامنت روایت رو آوردم.

باز هم میگویم بروید اندکی در امام شناسی کار کنید مقامات امام(ع) در شیعه را کار کنید. روایات رو ببینید اندکی به روایات رجوع بفرمائید در باب علم ائمه(ع) و خصوصیات ائمه(ع) قضیه برای شما حل است. ائمه(ع) ای که عالم به ما کان و ما یکون و ما هو کائن هستند. ائمه(ع) که طبق روایات سهو نمی کنند و ...

۱۱ تیر ۹۳ ، ۰۸:۰۰ اوه مای کامپیوتر

به برادر محمد علوی :

((خب عزیز دل برادر اگر کلاً برای شما روایات هیچ حجتی ندارد؛ اصولاً دین اسلام را کنار بگذارید. اصلاً از کجا معلوم رسول الله(ص) وجود داشته؟! شما که خودشان ایشان را ندیده اید. از کجا میدانید اصلاً ایشان وجود داشته اند؟! آیا جز این است که از طریق همین کتب حدیثی و تاریخی و روایات به وجود ایشان پی برده اید؟!))

بله. از طریق معجزه ی جاودان ایشان: قرآن کریم که کلامش تنها کلام خداست که به حکم خدا هیچ جای تحریفی هم در آن نیست چرا که به سختی آشکار و هویدا خواهد گشت.

((از کجا معلوم الان در ماه مبارک باید روزه بگیریم؟! آیا مکتوبی از خود معصومین(ع) دارید؟!))

مگر اهل تسنن به استناد احادیث معصومین ما به امر روزه در ماه مبارک رمضان مشغول اند؟! خیر. روزه به همراه نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد بالله و احسان به سایرین و غیره و غیره امریست مکتوب در قرآن کریم.

((حدیثی که بنده برایتان آوردم سخن خود معصوم(ع) بود که از طریق سلسله رواه و سلسله سند از طریق کتب حدیثی به دست ما رسیده است.))

کی به دستتون رسونده؟ آیا نمونه ی اصلی آن سند مانند قرآن دست نویسنده حضرت علی(ع) متعاقباً موجود است؟

((در اینجا خود امام صادق(ع) میفرماید که معصوم سهو نمی کند.))

سندی که اثبات کند خود امام صادق اینو گفته و موجود باشه کجاست؟ (مدرک موجود که مستقیماً اثر امام بر آن هویدا باشد) شما خودتون اونجا بودی قشنگ یادته که خود امام صادق این حرفارو میزد که الان میگی خودش گفته؟! خوش به حالت چقدر خدا بهت عمر داده!!!!!!!!!!!!!! الان باید به چند قرنی سنت باشه نه!!!

((آیا شما قبول دارید که استخراج احکام از روایات تخصص میخواهد یا خیر؟))

خیر نمی خواهد. خداوند قرآن را به فصیح ترین شکل ممکن بر وجود مبارک پیامبر(ص) نازل فرموده اند تا برای تمام جهانیان واضح و آشکار و روشن گر باشد.

به دنبال روایت نرو! به احکام مستحکم الهی بسنده و اکتفا کن که آنکه هستند بسیاری از روایات برای اهل تسنن که به مانند شما آنها را پذیرفته اند اما ما شیعیان حتی خود شما هم آنها را نپذیرفته و قبول نداریم!!!

((اگر تخصص ندارید به حکم عقل و شرع باید از کسی تقلید کنید که این تخصص را دارد که فقهاء و مجتهدین هستند.))

این حکم عقل و شرع مبنی بر تقلید از مجتهدین که می فرمایید، از فرمایشات کیست؟ الان پیش کیه؟ سند مکتوب کجاست؟ هر ادعا، یک سند بی واسطه و موجود.

((اما اگر فقیه در روند استنباط احکام نهایت تلاش و بررسی را کرده باشد معذور است هر چند به حکم خطا برسد و حتی طبق فقه شیعه مأجور هم هست یعنی ثواب میبرد.))

عجب...!!!! پس برای گمراه کردن جهانیان، ثواب هم می بره!! نکته این فقهای که میگی از جنود شیطانند که به خاطر گمراه کردن به دنیا، به قرب و پاداش هم می رسند؟!!!!!!! خطری تر شد که!!!!!!!

((أهل تسنن که مصوبه هستند؛ امامیه مخطنه است و قاعده ای دارد بدین مضمون که «للمصیب أجران و للمخطيء أجر واحد» یعنی برای کسی که به حکم درست برسد دو اجر و ثواب است و برای کسی که خطا کند یک اجر. البته به شرطی که با روش درست و صحیح نهایت تلاشش را کرده باشد.))

آیا جنابتان نمی دانند که این مطلب هم از ساخته های فقها و مجتهدین (این بار اهل تسنن) می باشد و نه مستقیماً از خود قرآن کریم؟!!!! عجب...!!

((این از بحث فقیه.))

بله این هم از بحث فقیه.

((اما شمای مقلد نیز اگر مرجع تقلید خویش را به درستی انتخاب کرده باشید شما نیز معذورید و مأجور نیز هستید هر چند حکم مرجعتان غلط باشد.))

اینی که گفتمی سندش کو؟ روایتی مطرح نفرمایید. واسطه هم پذیرفته نیست. لطفاً مدرک.

برادر عزیز من. تا وقتی قرآن عزیز که به فرموده و لطف خدا وسیع ترین بحر حکمت و معرفت و اصول اخلاق و دین و زندگی دنیا و سرای عقاباست، و همچنین موجود در دسترس همگان، دیگر چرا از خود قصه سرایی کنیم و دکان و بغالی باز کنیم و موجب تفرقه و اختلاف و نزاع بین مومنین و گمراهی همه ی برادران و خواهران مومن خود شویم؟!!!!

((اما یک سوال: از کجا میدانید رسول الله(ص) و انمه(ع) خطاکار نیستند؟!! آیا امامی که در بیان یک مطلب مهم(همین حدیثی که بغاوتش بین بنده و شما اینهمه بحث شکل گرفت) سهو می کند شایسته این است که بیاناتش چراغ راه باشد؟!!!!))

من اصلاً و ابدا چنین عرض نکرده ام. در ضمن نمونه ای هم در قرآن وجود دارد که در آن خداوند به پیامبر خرده گرفته و فرموده که چرا آنچه را بر تو حرام نکردم، به میل خود بر خویش حرام نمودی؟!!!! یعنی ایشان هم بی عیب نبوده اند و بی عیب تنها خداست. البته این عیب بسیار با عیوب ما بندگان خطاکار متفاوت است. این عیب (ترد یا تفریط) ناآگاهانه در امر پروردگار بوده است که حتی خود این ناآگاهی هم عیب بوده که البته این عیب هرگز و هرگز و هرگز و هرگز و هرگز با حتی کوچکترین عیب ما بندگان خالی، قابل قیاس نیست.

((چون به نظر میرسد تعریف شما از مرتد با تعریف شرع انور از مرتد متفاوت باشد.))

شرع انور شما را که تعریف کرده؟ سند مکتوب بی واسطه و موجودتان را ارائه بفرمایید.

((اولاً از کجا میدانید قطعاً از اصحاب جنم خواهد بود؟ چه بسا توبه کند.))

از کجا می دانید که توبه کند؟ چه بسا حین ارتکاب گناه به هلاکت رسد!!

((یا چه بسا خدا او را ببخشد. تنها گناهی که بخشوده نمی شود شرک است. وگرنه باقی گناهان حتی معاصی و ذنوب کبیره مانند زنا و لواط نیز امکان بخشیده شدن را دارد.))

مگر فقط بخشش خدا کفایت کننده است؟ خیر!! مسئله ی حق الناس مستقیماً دخیل است.!!!!

((ثانیاً فرض بفرمایید از اصحاب جنم باشد. خب نمی شود کسی مسلمان باشد؛ اما از اصحاب جنم نیز باشد؟!! یعنی همگی اصحاب جنم از کفار هستند؟!! هیچ مسلمانی جنمی نیست؟!!))

خیر نمی شود. مسلمانی به ظاهر و کلام نیست. به باطن و عمل است. این که ما (بندگان) فکر کنیم که مسلمانییم و به بهشت می رویم و نه جنم، با این که یقیناً مسلمان باشیم (از دید حق متعال) بسیار تفاوت دارد چون آنکه مسلمانی اش تایید شده ی خداست، جز بهشت جایگی ندارد. اما آنان(ما) که به فکر و وهم خود چنین باوری بر مسلمانی خود و ورودمان به بهشت میکنیم در واقع دلخوش به سراییم. این مطلب موجود در قرآن کریم است که خداوند می فرماید: و اما عده ای گمان می کنند که به بهشت رهسپارند اما زنها که به دوزخ می شتابند. آیا جایگاه مومنین و صالحین جز بهشت است؟

به نظر شما آن که به دوزخ می رود آیا مومن و صالح هست؟

((کسی که زنا کرده دیگر نجس است؟ یا همسرش خود بخود از او جدا است؟ یا اموالش باید به ارث برسد؟ یا باید اعدام شود؟))

به لطف دین اسلام سه بار فرصت توبه و بگشت دارد و با اجرای حد در هر بار، بنا به کلام الله توبه ی او بخشیده شده اما برای بار چهارم، حکم صادره اعدام.

((آیا واقعاً از نظر شما زانی از اسلام خارج است و این ثمرات قبی را بر زانی مترتب میدانید؟؟!!))

اگر به نظر من بود... که آری اما کلام الله در مقام قضا و داورست که در این صورت زانی را سه بار فرصت است و پس از آن اعدام ختم به فرجام است.

((اولاً عزیز دل برادر همان اوصیای نبی(ص) به ما دستور تقلید از فقهاء را داده اند.))

دستور موجود بی واسطه ی مکتوب از خود معصوم لطفاً .

((ثانیاً پزشک نیز خطاکار هست پس چرا شما از نسخه اش پیروی می کنید؟))

خیر از نسخه ی پزشک پیروی نمی کنم. بلکه با مراجعه به چندین پزشک، پر تکرار ترین تجویز توصیه شده را به ناچار انجام می دهم. و تنها زمانی به دکتر می روم که در حال موت باشم یا از سختی بیش از حد مرض وادار به مراجعه شوم. پیروی امریست داوطلبانه لاکن تجویز پزشک آخرین راهکار برای ختم درد است و همه می دانیم که ممکن است تجویز درست نبوده یا حتی عامل مرگ شود اما درد و ناچاری واداران بر این امر می کند.

((اگر شما تخصص ندارید به حکم عقل و شرع تقلید از فقهاء واجب است.))

حکم کدام عقل؟ عقل من یا عقل شما؟ هر عقلی بنا به مصلحت خویش، حکم خود را میکند. عقل شما حکم بر تمکین فقها و عقل من حکم بر تمکین کلام الله می کند.

تقلید از فقها برای شما واجب و برای من خطا و پریدن به درون چاه و سپردن خود به دست معلول است.

((معصوم(ع) لسان الله است.))

خیر خدا خود ناطق است و تمامی کلامات و فرمایشاتی که لازم به تذکر آنها بوده، در قرآن فرموده اند. و معصوم تنها به مردم زمانشان کلامات خدا را گوشزد می شدند.

((خیر شما منظور آیه را بد متوجه شده اید. اتفاقاً یکی از دلایل عصمت امام(ع) در کلام شیعه همین آیه است. خدا در این آیه ما را به اطاعت مطلق از اولی الامر بدون هیچ قید و شرطی فرا میخواند. پس باید این اولی الامر معصوم باشد. وگرنه اطاعت مطلق از غیر معصوم قبیح است. حتی فخر رازی بزرگ مفسر اهل تسنن نیز از آیه عصمت اولی الامر را استنباط کرده. اما در مصداق اولی الامر به خطا رفته است.))

به اطاعتی فرا خوانده که می دانسته در آن امکان بروز سهو و خطا می باشد لذا دوباره می فرمایند که اگر شک به سهو افتاد، بار به دو مرجع اصلی یعنی خدا و رسول مرجوع شوید.

و این همان زور که گفتم به معنای اطاعت مطلق نیست.!!! اطاعت مطلق غیر از خدا و پیامبرش قبیح است. در غیر این صورت تمام اهل تسنن در گیر این قباهتی هستند که می فرمایند.!!!! که مشخصاً اشتباه است. شیعه هم در امر اولی الامر و تفاوت در جایگاهش با خدا و پیامبر به خطا رفته و الی الامر را به تقدس پیامبر رسانده و هم تراز حضرت مصطفی (ص) نموده.

((همچنین علاوه بر اطاعت از خدا و رسول الله(ص) اطاعت از انبه(ع) نیز واجب است. اصلاً خود خدا و رسول الله(ص) به ما دستور اطاعت از انبه(ع) را داده اند.))

فرمایش خدا مبنی بر این امر کجاست؟ سند با شرایط مذکوره کجاست؟

اگر هست که چقدر خوب.. پس آن را به اهل تسنن ارائه بفرمایید تا ملت اسلام هم از این تفرقه خارج شوند دیگر!!!

روایات پیچ موی است به پیچش موی بنگر.

با تشکر از شما و تلاش هایتان برای به اشتراک گذاشتن عقاید و دانسته هایتان...

فدای شما، این جانب اوه مای کامپیوتر.

موفق باشید.

و من الله توفیق.

۱۱ تیر ۹۳ ، ۱۴:۵۸ محمد علوی

به اوه مای کامپیوتر:

سلام علیکم

قبل از اینکه بحث را ادامه بدهیم یک سوال: شما شیعه هستید یا سنی؟ چون حرف شما با مبنای شیعه(دقت بفرمایید مبنای شیعه نه مبنای یک فقیه و مجتهد خاص. نه مبنای اجماعی شیعیان از زمان شیخ مفید(ره) و شیخ صدوق(ره) و سید مرتضی(ره) و شیخ طوسی(ره) تا کنون) ناسازگار است. حال شما اگر یک مبنای شاذ که تا کنون در شیعه سابقه نداشته دارید؛ خوب بفرمایید مبنایان را به همراه ادله تان به نحو کامل شرح دهید تا استفاده کنیم. اما اگر سنی هستید؛ هیچ بفرمایید. چون اگر سنی باشید این بحث های مختصر خیلی فایده ای ندارد.

البته برخی حرفهای شما بوی حرفهای طرفداران سید احمد الیمانی را نیز میدهد.

« بله . از طریق معجزه ی جوادان ایشان : قرآن کریم که کلامش تنها کلام خداست که به حکم خدا هیچ جای تحریفی هم در آن نیست چرا که به سختی آشکار و هویدا خواهد گشت.»

شما از کجا میدانید قرآن تحریف نشده است؟ اصلاً از کجا میدانید قرآن کلام خداست؟ اینکه کسی کتابی بنویسد و بگوید این کلام خداست؛ آیا دلیل می شود که واقعاً کلام خدا باشد؟ همچنین آیا استناد به خود قرآن جهت اثبات اینکه قرآن تحریف نشده است؛ دور نیست؟ اینکه من کتابی بیاورم و در این کتاب بگویم هیچ تحریفی در این کتاب واقع نشده است؛ و سپس ادعا کنم این کتاب از ناحیه خداست؛ شما باور می کنید؟ اصلاً از کجا میدانید که رسول الله (ص) از جانب خداوند مبعوث شده اند؟!

«مگر اهل تسنن به استناد احادیث معصومین ما به امر روزه در ماه مبارک رمضان مشغول اند؟! خیر. روزه به همراه نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد بالله و احسان به سایرین و غیره و غیره امریست مکتوب در قرآن کریم.»

اولاً اهل تسنن هم روایات خاص خودشان را دارند و حتی ممکن است از گفته های انبیا (ع) ما نیز استفاده کرده باشند. چون به حکم حدیث متواتر و مشهور بین الفریقین ثقلین همه موظف به رجوع به اهل البیت (ع) هستیم.

ثانیاً در قرآن صرفاً آمده است که روزه بگیرید و در یک آیه دیگر نیز گفته شده در طول افطار تا سحر آمیزش با هوس و خوردن و آشامیدن بلامانع است. و در طول روز آمیزش نکنید. همین و بس.

دیگر هیچ مطلبی در باب روزه در قرآن نداریم. حال سایر شرایط روزه را شما از کجا می دانید؟! اینکه مبطلات روزه چیست را شما از کجا می دانید؟ اصلاً از کجا می دانید روزه واجب است؟ شاید اینکه در قرآن گفته روزه بگیرید یعنی روزه مستحب است نه واجب. شما وجوب روزه را از کجا استنباط کرده اید؟ بعد مثلاً کفار ابطال روزه را از کجا میدانید که چیست؟ اینکه روزه عید فطر حرام است را از کجای قرآن استنباط کرده اید؟ همچنین حرمت روزه عید قربان از کجای قرآن قابل استنباط است؟ شاید اینکه در آیه ۱۸۷ سوره بقره گفته شده در طول روز آمیزش نکنید؛ شاید منظور این است که آمیزش مکروه است نه حرام. از کجا حرمت آمیزش استنباط شده است؟ یعنی اثبات بفرمانید اولاً امر به روزه یک امر وجوبی است نه یک امر استحبابی. ثانیاً ثابت بفرمانید نهی از آمیزش در طول روز نهی تحریفی است نه نهی کراهتی. و دهها و صدها جزئیات و تفصیلات دیگر در زمینه روزه.

اما در باب نماز فقط و فقط شما تعداد رکعات نماز را از قرآن بنده استنباط بفرمایید. اگر توانستید اینکه مرد حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشاء را باید جهراً بخواند و حمد و سوره نماز ظهر و عصر را حساً و البته در همان نمازهای ظهور و

عصر بسم الله را میتوان بلند خواند را نیز از قرآن برایم استنباط بفرمایید. اگر توانستید اینکه ریح معده وضو را باطل می کند نیز از قرآن برایم استنباط بفرمایید.

و همچنین است سایر جزئیات سایر احکام (زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ...)

عزیز دل برادر اینکه دیگر بین شیعه و سنی مشترک است که قرآن صرفاً یک سری کلیات را گفته و جزئیات و تفصیلات مطالب در روایات است. حال اهل تسنن فقط روایات رسول الله (ص) را قبول دارند. ما علاوه بر رسول الله (ص) روایات عترت طاهرن (علیهم السلام) را نیز قبول داریم.

«کی به دستتون رسونده ؟ آیا نمونه ی اصلی آن سند مانند قرآن دست نویسنده حضرت علی (ع) متعاقباً موجود است؟» و «سندی که اثبات کند خود امام صادق اینو گفته و موجود باشه کجاست؟ (مدرک موجود که مستقیماً اثر امام بر آن هویدا باشد) شما خودتون اونجا بودی قشنگ یادته که خود امام صادق این حرفارو میزد که الان میگی خودش گفته ؟!!! خوش به حالت چقدر خدا بهت عمر داده !!!!!!!!!!!!!!! الان باید به چند قرنی سنت باشه ——— ؟!!!»

عزیز دل برادر اگر اینگونه باشد شما نباید به هیچ امر تاریخی اعتماد داشته باشید. از کجا معلوم مثلاً شخصی به اسم نادرشاه وجود داشته است؟ آیا خودش را دیده اید؟؟؟ از کجا معلوم سلسله ای به نام صفویه زمانی بر ایران حکومت می کرده اند؟؟؟ خودتان که آن زمان نبودید. در همین زمان حاضر از کجا معلوم کشوری به نام آمریکا وجود خارجی دارد؟؟؟ من که تا کنون به آنجا نرفته ام. شما را نمی دانم. از کجا معلوم شخصی به اسم باراک اوباما وجود دارد؟؟؟ شاید یک فردی سیاه چهره ای را در همین تهران خودمان (چون خودم تهران رفته ام میگویم و گرنه اگر نرفته بودم به تهران نیز باید شک می کردیم) می آورند پشت دوربین و می گویند او باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا است. از کجا معلوم صهیونیست ها اینم به فلسطینیان ظلم و ستم می کنند؟؟؟ ما که خودمان آنجا نیستیم ببینیم.

در مورد قرآن دست نویسنده امیرالمومنین (ع) اولاً از کجا معلوم اصولاً علی بن ابی طالبی (ع) وجود داشته است؟! شما که خودتان ایشان را ندیده اید. ثانیاً از کجا معلوم ایشان امام و خلیفه بلافضل رسول الله (ص) هستند؟؟؟ شما که خودتان آن زمان نبوده اید. ثالثاً از کجا معلوم که این قرآن واقعاً قرآن دست نویسنده ایشان است؟؟؟ آیا شما خودتان این قرآن را دیده اید یا خیر؟؟؟ اصلاً از کجا معلوم همچین قرآنی موجود باشد؟؟؟ بفرض هم دیده باشید؛ از کجا مطمئن شده اید این قرآن دست نویسنده ایشان است؟؟؟

می بینید برادر بزرگوار با این مبنایی که شما دارید لا یتسقر حجر علی حجر.

این مطالبی که الان اینجا نوشتم رو برای چند جای بعدی که هم شما گفتید سند از خود انه(ع) بدین هم بکار میاد.

«خبر نمی خواهد . خداوند قرآن را به فصیح ترین شکل ممکن بر وجود مبارک پیامبر (ص) نازل فرموده اند تا برای تمام جهانیان واضح و آشکار و روشن گر باشد .

به دنبال روایت نزو ! به احکام مستحکم الهی بسنده و اکتفا کن کما آنکه هستند بسیاری از روایات برای اهل تسنن که به مانند شما آنها را پذیرفته اند اما ما شیعیان حتی خود شما هم آنها را نپذیرفته و قبول نداریم !!!»

اولاً در همین قرآن و فهم قرآن نیز اختلافات بسیاری بین مفسرین و متکلمین و ... موجود است. به نحوی که شیعه به همین قرآن استناد می کند؛ سنی به همین قرآن استناد می کند؛ اشعری به همین قرآن استناد می کند؛ معتزلی به همین قرآن استناد می کند؛ و خب حالا از بین اینهمه تفاسیر و فهم های مختلف و بعضاً متناقض با قرآن چه کنیم؟؟؟!! امیرالمومنین(ع) در جنگ نهروان زمانی که ابن عباس میخواست برود با خوارج بحث کند به ایشان می فرماید: «لَا تَخَاصِمُ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وَجْهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ ... وَ لَكِنَّ حَاجِبَهُمُ بِالْسُنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا» ترجمه: با ایشان بقرآن مناظره مکن زیرا قرآن احتمالات و توجیحات بسیار (از تأویل و تفسیر و مراد باطنی و ظاهری) در بر دارد (یکی از آنها را تو) میگوئی و (یکی از آنها را ایشان) می گویند بلکه با آنان به سنت (احتجاج کن و دلیل آور، زیرا آنها هرگز از استدلال به سنت گریز گاهی نمی یابند.

ثانیاً وقتی خود همین قرآن امر به رجوع به روایات به ما کرده چه کنیم؟؟؟!!

ثالثاً یعنی از نظر شما روایات هیچ ارزشی ندارد؛ اگر هیچ ارزشی ندارد؛ پس اینکه فرمودید فرمایشات انه(ع) چراغ راهم هستند را چه کنیم؟؟؟!!

رابعاً اگر ما مطلقاً کاری به روایات نداشته باشیم؛ شاید بالای ۸۰ یا ۹۰٪ احکام ما زیر آتش زده شود و همچنین احکامی نداشته باشیم. به اشکالاتی که در بخش قرآن به شما گرفتم دوباره رجوع بفرمائید.

«این حکم عقل و شرع مبنی بر تقلید از مجتهدین که می فرمائید ، از فرمایشات کیست ؟ الان پیش کیه ؟ سند مکتوب کجاست ؟ هر ادعا ، یک سند بی واسطه و موجود .»

حکم عقل که سند نمی خواهد. حکم عقل یعنی حکم عقل. عقل بنده این حکم را می کند(شاید عقل شما این حکم را نکند). که در هر زمینه ای(چه دین چه غیر دین) تخصص ندارم به متخصص آن زمینه رجوع کنم. حال بنده میدانم که استخراج احکام از آیات و روایات تخصص میخواهد که بنده این تخصص را ندارم. پس به متخصص این امر که فقهاء و مجتهدین باشند؛ رجوع می کنم.

اما حکم شرع روایاتی که در باب تقلید داریم.

«عجب ...!!!! پس برای گمراه کردن جهانیان ، ثواب هم می بره !! نکنه این فقهای که میگی از جنود شیطانند که به خاطر گمراه کردن به دنیا ، به قرب و پاداش هم می رسند ؟!!!!!!! خطری تر شد که !!!!!!!!»

اینها که قصد گمراه کردن را نداشته اند. اینها نهایت تلاش و کوشش خویش را کرده اند جهت استنباط احکام و رسیدن به حکم الله واقعی و اصابه به واقع. اما خوب از آنجائیکه معصوم نیستند و امکان خطا و اشتباه دارند؛ ممکن است در برخی موارد به خطا افتاده باشند و حکمی را به غلط داده باشند.

قابل توجه شما وظیفه ما هم اصابه به واقع و عمل به واقع نیست. بلکه وظیفه ما عمل به حجت است و مهم این است که ما برای اعمال خویش قردای قیامت در درگاه الهی حجت مقبول داشته باشیم ولو آنکه کارمان مطابق واقع نبوده باشد.

چون اگر بگوئیم وظیفه ما این است که به واقع عمل بکنیم؛ خب ما که به واقع دسترسی نداریم. پس وظیفه ای ما داریم که امکان عمل به آن برایمان مهیا نیست. در واقع میشود تکلیف ما لا یطاق.

«آیا جنابتان نمی دانند که این مطلب هم از ساخته های فقها و مجتهدین (این بار اهل تسنن) می باشد و نه مستقیماً از خود قرآن کریم؟!!!! عجب ...!!!»

باز هم همان اشکال صرفاً رجوع به قرآن با ادبیاتی دیگر که پاسخش داده شد.

«اینی که گفتی سندش کو ؟ روایتی مطرح نفرمائید . واسطه هم پذیرفته نیست. لطفاً مدرک.

برادر عزیز من . تا وقتی قرآن عزیز که به فرموده و لطف خدا وسیع ترین بحر حکمت و معرفت و اصول اخلاق و دین و زندگی دنیا و سرای عقباست ، و همچنین موجود در دسترس همگان ، دیگر چرا از خود قصه سرایی کنیم و دکان و بغالی باز کنیم و موجب تفرقه و اختلاف و نزاع بین مومنین و گمراهی همه ی برادران و خواهران مومن خود شویم ؟!!!!!!!»

ایضاً این هم.

«من اصلاً و ابدا چنین عرض نکرده ام . در ضمن نمونه ای هم در قرآن وجود دارد که در آن خداوند به پیامبر خرده گرفته و فرموده که چرا آنچه را بر تو حرام نکردم ، به میل خود بر خویش حرام نمودی ؟!!!!!!! یعنی ایشان هم بی عیب نبوده اند و بی عیب تنها خداست. البته این عیب بسیار با عیوب ما بندگان خطاکار متفاوت است. این عیب (تمرد یا تقریط) نا آگاهانه در امر پروردگار بوده است که حتی خود این نا آگاهی هم عیب بوده که البته این عیب هرگز و هرگز و هرگز و هرگز و هرگز با حتی کوچکترین عیب ما بندگان خاطی ، قابل قیاس نیست .»

پس شما میفرمایید قرآن متناقض حرف زده است؟! از طرفی قرآن نص صریح دارد که از شما أهل البیت (ع) هر گونه رجس و ناپاکی را دور کرده ام (دقت بفرمایید هر گونه رجس و ناپاکی) از طرف دیگر در یکجای دیگر رسول الله (ص) را توبیخ می کند.

اما در باب آیه اول سوره تحریم:

بخشی از تفسیر شریف المیزان در باب همین آیه: «خطابی است آمیخته با عتاب، که چرا آن جناب پاره‌ای از حلالهای خدا را بر خود حرام کرده، ولی تصریح نکرده که آنچه حرام کرده چیست، و قصه چه بوده؟ چیزی که هست جمله "آیا خشنودی همسرانت را می‌خواهی؟" اشاره دارد بر اینکه آنچه آن جناب بر خود حرام کرده، عملی از اعمال حلال بوده، که رسول خدا (ص) آن را انجام می‌داده، و بعضی از همسرانش از آن عمل ناراضی بوده، آن جناب را در مضیقه قرار می‌دادند و اذیت می‌کرده‌اند، تا آن جناب ناگزیر شده سوگند بخورد که دیگر آن عمل را انجام ندهد.

پس اگر در جمله "یا ایها النبی" خطاب را متوجه آن جناب بدان جبت که نبی است کرده، و نه بدان جبت که رسول است، دلالت دارد که مساله مورد عتاب مساله شخصی آن جناب بوده، نه مساله‌ای که جزو رسالتهای او برای مردم باشد، و معلوم است که وقتی صحیح و مناسب بود بفرماید: "یا ایها الرسول" که مساله مورد بحث مربوط به یکی از رسالتهای آن جناب باشد.

و مراد از "تحریم" در جمله "لَمْ تَحْرَمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ"، تحریم از طرف خدا نبوده، بلکه تحریم به وسیله نذر و سوگند بوده، آیه بعدی هم بر این معنا دلالت دارد، چون در آنجا سخن از سوگند کرده می‌فرماید: "قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلَةَ أَيْمَانِكُمْ" معلوم می‌شود آن جناب با سوگند آن حلال را بر خود حرام کرده، چون خاصیت سوگند همین است که وقتی به عملی متعلق شود آن را واجب می‌کند و چون به ترک عملی متعلق شود آن عمل را حرام می‌سازد پس معلوم می‌شود آن جناب سوگند به ترک آن عمل خورده، و آن عمل را بر خود حرام کرده، اما حرام به وسیله سوگند.

آری منظور از تحریم چنین تحریمی است، نه اینکه حرمت آن عمل را برای شخص خودش تشریح کرده باشد، چون پیغمبر نمی‌تواند چیزی را که خدا حلالش کرده بر خود و یا بر همه تحریم کند، و چنین اختیاری ندارد.»

در واقع این آیات در مقام ذم رسول الله (ص) نیست بلکه در مقام مدح اوست بلاشبهی مثل آن است که کسی همسایه‌ی نااهلی داشته باشد که داناً آزارش دهد، ولی این فرد از روی بزرگواری به آنها خوبی کند و مراعات آسایش آنها را بکند. در اینجا به این شخص می‌گویند: «باا تو دیگه چه جور آدمی هستی؟ چرا خودت را به خاطر اینها از لذت زندگی محروم می‌کنی؟»

ظاهر این جمله، مذمت است، اما در واقع، مذمت نیست، بلکه مدح است؛ و بیانگر صبر و حلم و احسان آن شخص است در حق همسایگانش.

از روایات در باب این آیات و آیات بعدش نکات زیر به دست می‌آید:

۱. برخی از زنان نبی خدا - حفصه یا عایشه یا هر دو - مطلع شدند که آن حضرت با کنیز خود ماریه عمل زناشویی داشته. و می‌دانید که کنیز در حکم همسر شخص است و رابطه‌ی زناشویی با او، حلال (مباح) است. طبق روایات، قضیه چنین شد که پیامبر (ص) به خانه‌ی همسرش حفصه رفت تا با او عمل زناشویی انجام دهد، ولی حفصه (دختر عمر) اجازه خواست که به دیدار خانواده اش برود؛ و رسول خدا (ص) اجازه داد؛ و با کنیزش که ماریه نام داشت، همبستر شد؛ و ناگاه حفصه وارد شد و جریان را دید، یا از وضع و حال آن دو متوجه جریان شد.

۲. پیامبر می‌دانست که زنها به این امور حساس هستند و در این امور، چشمانشان بسته می‌شود و حق و باطل حالیان نیست؛ و چه بسا لب به کفر گویی هم بکشایند. لذا از آن زن (حفصه) که از جریان مطلع شده بود، خواست که این امر را به زنان دیگر نگوید، در عوض رسول خدا قسم خورد که دیگر با کنیز خود همبستر نشود. منظور از حرام نمودن حلال خدا هم همین بود؛ و صد البته که چنین کاری، شرعاً جایز است و حرام نیست. مثلاً اگر کسی سوگند بخورد که دیگر چای نخواهد نوشید، کارش خلاف شرع نیست. البته کسی حق ندارد در مورد همسر آزاد چنین سوگندی بخورد؛ اما در مورد کنیز، جایز است.

۳. آن زن (حفصه) این ماجرا را فاش ساخت. طبق روایات، به عایشه خبر داد.

لذا آیات فوق الذکر نازل گردید و پیامبر را دلداری داده راه شکستن سوگند را به او نشان داد و فرمود که لازم نیست به خاطر حس زنانی برخی همسران خائن و باطل گرا، خود را از حلال خدا محروم سازی. و در مقابل، زنان پیامبر را هشدار داده دعوت به توبه نمود و متذکر شد که اولاً خدا و ملائک و جبرئیل و صالح مؤمنان (اصلاح کننده‌ی مومنان، یعنی علی بن ابی طالب) حامی پیامبر خدا هستند. ثانیاً به آنها هشدار داد که اگر پیامبر را اذیت کنند ممکن است پیامبر آنها را طلاق داده، به امر خدا زنان دیگری اختیار نماید که حامی او باشند و اسرار خانوادگی او را فاش نسازند.

خلاصه آنکه:

این آیات، هیچ دلالتی بر خطا و اشتباه پیامبر (ص) ندارند؛ بلکه بر عکس ثابت می‌کنند که آن حضرت، بیش از آنچه وظیفه‌ی شرعی بود با همسرانش مهربانی می‌کرد. لذا خداوند متعال فرمود: برخی از همسرانت، لیاقت این مهربانی بیش از تکلیف را ندارند؛ آنها سزاوار آن هستند که با آنها در حد تکلیف رفتار کنی؛ یعنی اگر دست از پا خطا نودند، لازم نیست تو خود را به زحمت بیندازی، بلکه طلاقشان بده بروند پی کارشان.

خطاب چنین است: «چرا به خاطر برخی همسرانته خود را از لذت‌های مباح محروم می‌کنی» یعنی اینها لیاقت این احسان تو را ندارند.

«شرع انور شما را که تعریف کرده؟ سند مکتوب بی واسطه و موجودتان را اراده بفرماید.»

نخیر بنده تعریف نکرده ام. کما اینکه شما نیز تعریف نکرده اید. دلیل بنده را که میدانید که روایات و فتاوی فقهاء است. اما دلیل شما مبنی بر اینکه کسی را که زنا کرده شما از دایره اسلام خارجش می‌دانید چیست؟

«از کجا می‌دانید که توبه کند؟ چه بسا حین ارتکاب گناه به هلاکت رسد.»

بنده مطلبی را به عنوان احتمال بیان کردم. احتمال که دلیل نمی‌خواهد. قطعیت دلیل میخواهد. شما در کلمات قبلی گفته بودید: «می‌شود! چنین شخصی از اصحاب جهنم خواهد بود. نه از مومنین بالله!!! کدام دینداری به جهنم میرود؟ لذا از دین خدا هم خارج است.»

بعد بنده به عنوان اشکال بر شما گفتم از کجا مطمئنید از اصحاب جهنم خواهد بود؟ چه بسا توبه کند. این چه بسای بنده نیاز به دلیل ندارد. چون یک احتمال است و احتمال نیاز به دلیل ندارد. اما شما که با قطعیت می‌گویید این شخص از اصحاب جهنم خواهد بود باید دلیل اقامه کنید.

«مگر فقط بخشش خدا کفایت کننده است؟ خیر!! مسئله‌ی حق الناس مستقیماً ذیل است.»

مگر زن حق الناس هم هست؟ اگر هست اثبات بفرمائید. تازه اگر حق الناس هم باشد و خدا بخواهد فلان زانی یا زانیه را ببخشد نمی‌تواند آن شخصی که از بابت زنا حق دارد را بیاورد و بگوید تو چه میخواهی که به تو بدهم تا فلان زانی یا زانیه را ببخشی؟

«خیر نمی‌شود. مسلمانی به ظاهر و کلام نیست. به باطن و عمل است. این که ما (بندگان) فکر کنیم که مسلمانی و به بهشت می‌رویم و نه جهنم، با این که یقیناً مسلمانی باشیم (از دید حق متعال) بسیار تفاوت دارد چون آنکه مسلمانی اش تأیید شده‌ی خداست، جز بهشت جایگی ندارد. اما آنان (ما) که به فکر و وهم خود چنین باوری بر مسلمانی خود و ورودمان به بهشت میکنیم در واقع دلخوش به سراییم. این مطلب موجود در قرآن کریم است که خداوند می‌فرماید: و اما عده‌ای گمان می‌کنند که به بهشت رهسپارند اما زنهار که به دوزخ می‌شتابند. آیا جایگاه مومنین و صالحین جز بهشت است؟ به نظر شما آن که به دوزخ می‌رود آیا مومن و صالح هست؟» و «به لطف دین اسلام سه بار فرصت توبه و بگشت دارد و با اجرای حد در هر بار، بنا به کلام الله توبه‌ی او بخشیده شده اما برای بار چهارم، حکم صادره اعدام.» و «اگر به نظر من بود... که آری اما کلام الله در مقام قضا و داورست که

در این صورت زانی را سه بار فرصت است و پس از آن اعدام ختم به فرجام است.»

عزیز دل برادر شما اینجا بین مسلم و مومن واقعی و عندالله با مسلم حقوقی و فقهی خلط کرده اید. بحث ما سر مسلم فقهی حقوقی است فعلاً. وگرنه بله امکانش هست فردای قیامت فلان فردی که سنی یا مسیحی یا یهودی یا حتی کافر است وضعیت از ۱۰۰ تا مسلمان و حتی مرجع تقلید نیز بهتر باشد.

اما بحث سر مسلمان حقوقی است.

بینید عزیز دل برادر:

ما یک مسلمان حقوقی و فقهی داریم که به لحاظ فقهی حقوقی احکام خاص خودش را دارد. یعنی جان و مال و ناموسش محترم است. ذبیحه اش قابل خوردن است. نکاح با او بلا مانع است. پاک و طاهر است و ...

اما اگر کسی مسلمان نباشد بسته به اینکه چه است؟ (اهل کتاب است یا کافر کلاً) احکامش فرق می‌کند. مثلاً کافر نجس است. نکاح با او باطل است. ذبیحه اش قابل خوردن نیست و ...

بعد مسلمان حقوقی و فقهی نیز با اداء شهادتین است نه با چیز دیگری. یعنی فرد کافر یا مسیحی یا یهودی باید شهادتین را بگوید تا ما او را مسلمان بدانیم. هر چند به دروغ و از روی نفاق شهادتین بگوید؛ به هر حال ما او را مسلمان می‌دانیم و احکام فقهی و حقوقی مسلمانان را بر او بار می‌کنیم و با او معامله مسلم می‌کنیم.

اما یک مسلمان و مومن عندالله داریم که اصولاً ما به آن زمینه دسترسی نداریم که بگوئیم چه کسی مومن است و چه کسی نیست؟ ما در این دنیا موظف به ظاهریم. یعنی باید کفار را نجس بدانیم و با آنها نکاح نکنیم. اما چه بسا همین کافری که ما او را نجس میدانیم و با او نکاح نمی‌کنیم و نکاح با او باطل می‌دانیم؛ فردای قیامت اوضاعش از ۱۰۰۰ برابر بهتر از من مسلمان شیعه امامیه باشد.

حال فتاوی فقهاء این است که همان مسلمان فقهی و حقوقی با انجام معاصی ولو معصیت کبیره ای مانند زنا از دایره فقهی و حقوقی اسلام خارج نمی‌شود. یعنی فلان فرد نه یکبار حتی اگر ۱۰۰۰ بار هم زنا کرده باشد؛ باز هم طاهر است. باز هم میشود ذبیحه او را خورد. باز هم جان و مال و ناموسش محترم است. البته در باب نکاح با او فکر کنم اختلافاتی باشد.

اما مسلمانی که مرتد شود (ارتداد نیز تعریف خاص خودش را در فقه دارد و با انجام معاصی ولو معصیت کبیره ای مانند زنا فرد مرتد نمی‌شود) دیگر او مسلمان نیست. یعنی باید او را نجس دانست. ذبیحه اش قابل خوردن نیست. همسر او خود بخود بدون اینکه طلاق جاری شود از او جدا می‌شود؛ اموالش باید در زمان حیاتش به ورثه برسد. و تحت شرایطی حتی اعدام می‌شود.

اما یک سوال: جوابش فقط بله یا خیر است نه بیشتر.

آیا شما زانی را نجس می دانید یا خیر؟ قائل به این هستید که همسرش خود بخود از او جدا می شود یا خیر؟ قائل به این هستید که اموالش باید در زمان حیاتش به ارث برسد یا خیر؟

اما اینکه فرمودید ۳ بار خدا فرصت داده و در بار چهارم اعدام است:

اولاً این ۳ بار و بارچهارم اعدام را برای بنده از قرآن استنباط کنید. از کجای قرآن این ۳ بار و بار چهارم اعدام را می گویند؟

یک سوال دیگر:

با توجه به اینکه زنا و هر حرام حدی دیگری باید اثبات شود به طریق شرعی (که در مورد زنا و لواط اقرار اربع مرات یا شهادت اربعه شهود با دقت و کیفیت شرعی اما در مورد سایر محرمات حدی اقرار مرتین یا شهادت شاهدین کفایت می کند) فرض کنیم کسی نه یکبار که ۱۰ بار که ۱۰۰ بار هم زنا کرده بود؛ اما اثبات نشده بود؛ پس حدی بر او جاری نشده بود.

آیا از نظر شما این شخص نجس است یا خیر؟ اصلاً فرض بفرمائید شما میدانید فلان شخص تاکنون ۱۰۰ بار زنا کرده؛ اما حدی بر او جاری نشده چون اثبات شرعی نشده. آیا شما او را نجس می دانید یا خیر؟

اگر نجس نمی دانید یعنی او همچنان مسلمان (دقت بفرمائید مسلمان فقهی حقوقی نه مسلمان عندالله) است.

اما در باب ارتداد انکار یکی از ضروریات دین موجب ارتداد است. پس می شود کسی نه یکبار بلکه ۱۰۰ بار نیز زنا کرده باشد؛ اما همچنین مسلمان فقهی حقوقی باشد؛ اما با داشتن یک اعتقاد غلط که به انکار یکی از ضروریات دین انجامیده است؛ از دایره اسلام فقهی حقوقی خارج شود.

حال نکته ی جالب این است که همانگونه که می شود کسی مسلمان فقهی حقوقی باشد؛ اما مسلمان و مومن عندالله نباشد؛ حالت عکسش نیز امکان دارد که کسی مسلمان فقهی و حقوقی نباشد اما عندالله مسلمان و از اهل نجات محسوب شود. یعنی چه بسا غیر مسلمانی که از دایره اسلام فقهی و حقوقی خارج شود و ما با او معامله غیر مسلمان را می کنیم و مثلاً او را نجس میدانیم و نکاح با او را باطل می دانیم؛ اما چون نسبت به آنچه بدان رسیده و آن را حق می داند تسلیم است (ولو آنچه که او حق می داند در حاق واقع غلط باشد) خدا او را مسلمان (به معنای تسلیم در برابر حق نه به معنای اصطلاحی اش یعنی پیرو دین اسلام) بداند و حتی به او اجر بدهد از بابت اینکه در برابر آنچه حق می داند تسلیم بوده است.

«دستور موجود بی واسطه ی مکتوب از خود معصوم لطفاً.»

این هم همان اشکال سابق است.

«خیر از نسخه ی پزشک پیروی نمی کنم. بلکه با مراجعه به چندین پزشک، پر تکرار ترین تجویز توصیه شده را به ناچار انجام می دهم. و تنها زمانی به دکتر می روم که در حال موت باشم یا از سختی بیش از حد مرض وادار به مراجعه شوم. پیروی امریست داوطلبانه لاکن تجویز پزشک آخرین راهکار برای ختم درد است و همه می دانیم که ممکن است تجویز درست نبوده یا حتی عامل مرگ شود اما درد و ناچاری وادارمان بر این امر می کند.»

خب شما میفرمائید از پر تکرارترین تجویز پیروی می کنید. خب چرا در ناحیه دین از پر تکرارترین تجویز پیروی نمی کنید؟ قابل توجه شما در شیعه نه پر تکرارترین (بدین معنی که حرف مخالف نیز باشد). بلکه نظر اجماعی همه فقهاء و علما و محدثین و متکلمین از همان ابتدا تا کنون مبنی بر عصمت ان(ع) و حجت بودن قول و فعل و تقریر ان(ع) و وجوب پیروی از دستورات و اوامر ان(ع) که از طریق روایات به دست ما رسیده است بوده است بدون حتی یک مخالف (دقت بفرمائید حتی یک مخالف). خب شما چرا این نظرا را قبول ندارید؟!؟!

اما بله ممکن است تجویز پزشک غلط باشد؛ اما اگر شما به پزشک مراجعه کردید و پزشک به شما نسخه ای داد که غلط بود و شما مطابق آن عمل کردید و این عمل حتی موجب مرگ شما شد؛ عقلای عالم شما را معذور می دانند. و اگر پزشک نیز نهایت تلاش خود را بر اساس ضوابط موجود در علم پزشکی انجام داده باشد؛ مردم پزشک را نیز معذور می دانند و حتی اگر شما به دادگاه مراجعه کنید احتمالاً دادگاه پزشک را تبرئه کند اگر بتواند اثبات کند نسخه ای که داده بر اساس ضوابط پزشکی بوده است و پزشک نیز نهایت تلاشش را کرده.

«حکم کدام عقل؟ عقل من یا عقل شما؟ هر عقلی بنا به مصلحت خویش، حکم خود را میکند. عقل شما حکم بر تکلیف فقهی و عقل من حکم بر تکلیف کلام الله می کنند.

تقلید از فقهی برای شما واجب و برای من خطا و پریدن به درون چاه و سپردن خود به دست معلول است.»

آیا عقل شما حکم نمی کند که در جایی که تخصص ندارید به متخصص رجوع کنید؟! آیا عقل شما حکم نمی کند که استخراج احکام حتی از همان قرآن تخصص می خواهد؟ (نمونه هایی را در اوایل این کامنت در باب روزه و نماز برای شما مثال زدیم). اگر واقعاً عقل شما به این قضیه حکم نمی کند که تخصص میخواهد استخراج احکام؛ شاید شما معذور باشید و این شاء الله ماجور. اما اگر قائل به هستید که تخصص میخواهد و شما نیز این تخصص را ندارید؛ باز هم میگویم به حکم عقل و شرع موظف به تقلید از فقهاء هستید.

«خیر خدا خود ناطق است و تمامی کلامات و فرمایشاتی که لازم به تذکر آنها بوده ، در قرآن فرموده اند. و معصوم تنها به مردم زمانشان کلامات خدا را گوشزد می شدند.»
در این زمینه روایت داریم که البته می دانم شما همان اشکال همیشگی را مطرح می فرمایید.

«به اطاعتی فرا خوانده که می دانسته در آن امکان بروز سب و خطا می باشد لذا دوباره می فرمایند که اگر شک به سب افتاد ، بار به دو مرجع اصلی یعنی خدا و رسول مرجوع شوید.

و این همان زور که گفتم به معنای اطاعت مطلق نیست. !!! اطاعت مطلق غیر از خدا و پیامبرش قبیح است. در غیر این صورت تمام اهل تسنن درگیر این قباهتی هستند که می فرمایید.!!!! که مشخصا اشتباه است. شیعه هم در امر اولی الامر و تفاوت در جایگاهش با خدا و پیامبر به خطا رفته و الی الامر را به تقدس پیامبر رسانده و هم تراز حضرت مصطفی (ص) نموده.»

اطاعت مطلق از خدا را بنده هم با شما هم نظرم. اما چرا از رسول الله(ص) نیز باید اطاعت مطلق کرد؟ آیا رسول الله(ص) امکان سب و اشتباه و ... ندارند؟ اگر ندارند چرا؟

اما شیعه که این کار را کرده از خودش که این کار را نکرده. از آیات قرآن و روایات خود رسول الله(ص) که شما هم اقرار دارید باید از شون اطاعت مطلق کرد به این نتیجه رسیده.

«فرمایش خدا مبنی بر این امر کجاست؟ سند با شرایط مذکوره کجاست؟

اگر هست که چقدر خوب .. پس آن را به اهل تسنن ارائه بفرمایید تا ملت اسلام هم از این تفرقه خارج شوند دیگر!!!»

هست. اما اینکه اهل تسنن نخوان زیر بار برن به حرف دیگه هست.

این مثل اینه که یکی بگه آگه شما دلیلتون منطقی که خدا هست یا اسلام حقه خوب به غیر مسلمانان ارائه بدید تا اونا هم مسلمون بشن. و دنیا از این تفرقه خارج بشه.

۱۱ تیر ۹۳ ، ۱۸:۲۴ اوه مای کامپیوتر

بسمه تعالی .

به تمامی افراد و تیمی که پشت این قضیه هستند :

عجیب نیست که نظریات شخصی به نام محمد علوی ، به سرعت تایید شده و به ثبت رسیده و قابل رویت می شوند ، در حالی که پاسخ های من بعد از گذشت مدتی طولانی و همراه با جواب جدید دیگری از شخصی به نام محمد علوی ، به ثبت میرسند ؟!!!!

چجوری ممکنه به نفر روی نظرم ، نظر بنده وقتی نظرم هنوز به ثبت نرسیده ؟!!!!

معلومه دیگه محمد علوی در واقع گروهی از ناظرین (مامورین) هستند که هنوز نظرم ثبت نشده ، پست ارسالی من رو خوانده و بعد میان با پاسخ ، با هم تبتش می کنند . هه

حیف که فهمیدم اینجا چه خبره .!!! حیف و گر نه همین الان هم ولم می کردی ، تا قانعتون نمی کردم ، ولتون نمیگرددم ..ولی کیو قانع کنم ؟ به تیم از مامور ها ی حفاظتی رو ؟

نه بابا این جماعت رو نمی شه کاری کرد چون مرغشون به پا داره . منم الکی یاسین واسشون نخواهم خوند .

من مستحکم بر سر ادعا و عقایدیم هستیم و خداوند آگاه هستند که توان ادامه ی این گفتگو را تا انتهای عمر دارم اما این گفتگو ی بیبوده ی نا عادلانه مرا سودی نخواهد بخشید .

شما آگه واقعا مومن بودید حتی این مطلب رو که خود خدا در قرآن فرموده که من قرآن را از گزند تحریف و غیره حفظ می کنم و این کلام من (الله) است و اگر در الهی بودن آن شک دارید کلامی به مانند آن بیاورید که هرگز نخواهید توانست . آره ! آگه شما واقعا اینقدر که ادعا میکنید و روایات رو وسط می کشید میومدید به فرمایشات خدا در قرآن توجه می کردید ، اونوقت نمی گفتید ((شما از کجا میدانید قرآن تحریف نشده است؟ اصلاً از کجا میدانید قرآن کلام خداست؟ اینکه کسی کتابی بنویسد و بگوید این کلام خداست؛ آیا دلیل می شود که واقعا کلام خدا باشد؟ همچنین آیا استناد به خود قرآن جهت اثبات اینکه قرآن تحریف نشده است))

وقتی که بار ها خداوند در آن فرموده که این کتاب کلام وحی خدا به حق و به رسولش محمد است و نه شعر و افسانه و داستان های وهم آلود . کما آنگه ای محمد پیش از آنگه به امر ما تو از وحی آگاه گشتی و به هدایت خلق برانگیخته شدی ، پیش از آن نمی دانستی که روح کیست و وحی چیست و سواد خواندن و نوشتن را هم نداشتی و این ها همگی براهینی آشکار از سوی خداوندست تا عالمان بدانند که این قرآن کلام خدا به وحی بر رسولش محمد مصطفی (ص) می باشد .

گروه مامورین مهترم ، شما در این پست اخرتون هم بسیار در گمراهی به سر می برید و گویا سر اصلاح و تفکر هم ندارید. هر کسی را در گور خویش می نهند. حیف که ادامه ی این گفتگو هیچ سودی ندارد حیف که بسیار نا عادلانه صورت می پذیرد و حیف که این جماعت گمراه ، بی تفکر خالصانه و به دور از هر جانب گیری به این مسئله نمی نگرند ... و همانند کودکان تنها با تعصب جاهلانه بر ادعای خود اصرار می ورزند و پای می کوبند . و آنچه بر آن نزاع گشت ، همه موکول به قیامت تا خدا به حق داوری فرمایند .

کاملاً موافقم

گاهی مبینی پوچ ترین کامنتها تایید شده ولی هنوز نظر تو باید ۲۴ ساعت زیر ذره بین باشه

گذشته از این بعضی ها وقتی سوال می کنن از این که جواب بگیرن بدشون میاد دوست دارن ببه چه بشنون!!!!

مثلا میگه من راه میرم نمی دونم چطور میشه می افتم تو چاله. بهش میگي خوب سر به هوا نرو! میگه چرا توهین کردی؟ به من گفتمی سر به هوا!!! اصلا دلم می خواد سر به هوا باشم به توچه! کی با تو بود؟! من انتظارم اینه که بیاید چاله را پر کنی اونوقت به من میخاید یاد بدید چطور راه برم؟

این کنار گوشه ها یه بچه ننه هم که خودشو که هیچ اسمشم گم کرده ، تا یه حرفی میشه ریشه یابی نکرده فکر میکنه بله اون خانم درست میگه!!! وپراش غش میکنه ، چون از طرفی مجرد از طرفی هم خود کنترلی شدید داره دوچار سوء انزال شده ، و حالت برزخ داره

توی اون یکی پست خودش بد و بیراه به دخترا گفته بهش توپیدن اومده پاچه منو گرفته!

بد شانسی منو مبینی! چی منو میگیره!!

۱۲ تیر ۹۳ ، ۱۵:۴۱ محمد علوی

سلام علیکم

من محمد علوی هستم.

آدرس وبلاگم تو کامنتا هست. تو همون جایی که اسم ست چپ هست آدرس وبلاگم ست راسته.

اینم اییل وبلاگم: blogborhan@gmail.com

کلاً حرف شما کذب هست.

من هیچ نسبتی با صاحب این وبلاگ ندارم. اصلاً نمی شناسمش.

اما نکته ای که هست من زیاد تو نتم. شاید روزی ۴ یا ۵ بار همین صفحه این پست رو باز کنم. پس طبیعی هست که آگه کامنتی از شما ثبت شده باشه؛ ممکنه من یکی دو ساعت بعد ببینم و سریع بهش جواب بدم.

اما اصلاً اینطور نیست که کامنت شما به همراه کامنت من تأیید بشه.

من وقتی کامنت شما رو دیدم بهش پاسخ میدم. و ممکنه حتی تا بیشتر از ۲۴ ساعت طول بکشه تا کامنت من تأیید بشه.

من هر چه برایتان بگویم و توضیح دهم ، بر بصیرت و فهم و دیدگاه شما ، ذره ای نفوذ نخواهد کرد چرا که نرود میخ آهنی در سنگ . لذا دیگر یاسین در گوش شما گروه متعصب و **** نخواهم خواند .

من مسلمان -شیعه دوازده امامی و از منتظران ظهور آخرین آیت گرامی و بزرگوار حضرت حق هستم اگر خداوند سعادت دیدار این عزیز را نصیب این حقیر فرماید انشاءالله.

((الکم دینکم ولی الدین))

۱۱ تیر ۹۳ ، ۲۲:۲۹ محمد حسین

دیدگاهم به نظرهایی اُ مای کامپیوتر نزدیک تره .

موافقم.

۱۲ تیر ۹۳ ، ۱۰:۴۶ اوه مای کامپیوتر

من نظر دادم ولی مثل این که به مزاج بعضیا خوش نیومده و تاییدش نکردن تا رویت بشه !!!

در کل حرف واسه گفتن زیاد دارم ولی این جا نمی دارن !!

من که حرفم زدم ، ولی به قول یکی ، منتها شبکه چهار سانسور کرد. تایید نشد و پخشش نکرد.

اینو دیگه تایید نکنی نجفی خان ، نامردیه !!!

((الکم دینکم ولی الدین))

پاسخ:

سلام

اووووووووووه !!!

توی ماه رمضان چقدر گناه واسه خودت جمع کردی ! چقدر گناهان دیگران رو ریختی به حساب خودت !

کسی صبر داشته باشید . نظرات حداکثر در عرض ۲۴ ساعت تایید یا رد میشن . البته به شرط حیات و وصل بودن اینترنت و ...)

آگه موافقید نظر ۱۱ تیر ۹۳ ، ۱۸:۲۴:۴۵ شما رو حذف کنم .

موفق باشید

۱۲ تیر ۹۳ ، ۱۱:۲۴ سپیل !!

به اوه مای کامپیوتر

الان هم آگه مایل به ادامه بحث باشین میتونین بیاین تو وبلاگ خودم کامنت بزارین یا از طریق ایمیل وبلاگ مباحث رو پیگیری کنیم.

۱۲ تیر ۹۳ ، ۱۵:۵۳ محمد علوی

الان آقا سهیل این کامنت شما دقیقاً یعنی چی و در مورد چه کسی و خطاب به چه کسی بود؟

۱۲ تیر ۹۳ ، ۲۰:۵۰ اوه مای کامپیوتر

به برادر عزیز نجفی :

محسن جان لطفا حلال کنید .

انشاءالله پیوسته پاینده باشید و سلامت و اینترنت هم وصل.

((موافقید نظر ۱۱ تیر ۹۳ ، ۱۸:۲۴ را حذف کنم))

لطفا قسمت هایی رو که در باره ی مامور و این جور چیزا نوشتم رو ستاره کنید که خوانا نباشه ، تا انشاءالله نگرانیتان از مسئله مورد نظر برطرف گردد.

موفق باشید .

و من الله توفیق.

پاسخ:

سلام

در مورد ماموران نگران نباشید .

موفق باشید

۱۲ تیر ۹۳ ، ۲۲:۴۶ سهیل !!

به علوی

این کامنت من تایید این کامنت آخر اوه مای کامپیوتر در خصوص تایید کامنتهاست و به مزاج گند مدیر سایت اعتراض دارم نه شخص شما . حقیقتش من اصلا کامنتهای شما را از بس طولانی حوصله ندارم بخونم و ترجیح می دم به کار دیگه ای مثل خوندن سوره بقره بپردازم لااقل ثوابی ببرم .

از قرآن خیلی چیزا میشه یاد گرفت مثل همین آیه آیه بودنش . هر آیه در عین حال که ممکنه به آیه دیگه ای اشاره داشته باشه ، خوش مستقل در عین کوتاهی به دنیا درسه.

هرچی خلاصه تر و رسا تر بهتر.

پاسخ:

سلام

خوش اخلاق باشید

موفق باشید

۱۳ تیر ۹۳ ، ۰۰:۵۱ سهیل !!

رطب خورده منع رطب کی کند؟

به من میگی خوش اخلاق باش!

کامنت هر بی سروپایی را که پر از لجنه تایید میکنی چون با مزاجت جوهره! اونوقت

دم از اخلاق میزنی؟! اصلا بهت نییاد!!

پاسخ:

سلام

کلام بنده شبیه شماسست ؟

ما این جا بی سر و پا نداریم !

لجن پراکنی هم نمی کنیم !

مزاج ؟! شما از کجا می دونی وقتی که به نظر تائید میشه بنده موافق اون هستم ؟!

خوش اخلاق باشید .

آدرس : <http://khabartar.blog.ir/post/787>

موفق باشید خانواده برتر khabartar.blog.ir